

بهار بندگی

(ویژه مبلغان ماه مبارک رمضان)

مؤلف: آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین علیهم السلام

بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام

نگردیده است.

سخن ناشر

بسم الله الرحمن الرحيم

در زمان غیبت حضرت ولی عصر بقیة الله الاعظم ارواحنا فداه باید به حاملان علوم اهل بیت علیهم السلام رجوع و مسائل دینی را از آنان سؤال نمود، بلکه روش و سیره عقلاء در هر علمی پرسش از دانشمندان و کارشناسان همان علم بوده و هست و این روش در عمل، مورد تأیید و امضاء شارع مقدس نیز قرار گرفته است.

مجموعه ای که پیش روی دارید گزیده ای از آثار مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی مدّظله الشریف است که از کتاب های «رمضان در تاریخ»، «عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق یا ماه مبارک رمضان»، «معارف دین جلد ۱ و ۲» و «پاسخ کوتاه ۱ و ۲» که همگی از تألیفات معظم له می باشد، گردآوری و به مناسبت ماه مبارک رمضان در اختیار ائمه محترم جمعه و جماعات و مبلغین عزیز قرار می گیرد. امید است این خدمت ناچیز مورد نظر و قبول قطب عالم امکان حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداه قرار گیرد.

رمضان المبارک ۱۴۳۱

مطابق با مرداد ماه ۱۳۸۹

مرکز تنظیم و نشر آثار معظم له

خطبه شعبانیه

عن أبي الحسن الرضا، عن أبيه، عن آباءه، عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: إنَّ رسول الله صلى الله عليه وآله خَطَبَنَا ذاتِ يومٍ فقال صلى الله عليه وآله: أيُّها الناس، إنَّه قد أَقبلَ اليكم شهرُ اللهِ بالبركةِ وَ الرَّحمةِ وَ المَغفرةِ، شهرٌ هوَ عندَ اللهِ أَفضلُ الشُّهورِ، وَ أيامُهُ أَفضلُ الأيَّامِ، وَ لياليهِ أَفضلُ اللَّيالي، وَ ساعاتُهُ أَفضلُ السَّاعاتِ، هوَ شهرٌ دُعِيتُم فيهِ الى ضيافةِ اللهِ، وَ جُعِلتُم فيهِ مِن أَهلِ كرامةِ اللهِ، أَنفاسُكم فيهِ تَسبيحٌ، وَ نومُكم فيهِ عِبادةٌ، وَ عَمَلُكم فيهِ مَقبولٌ، وَ دُعاؤُكم فيهِ مُستجابٌ، فَسألوا اللهُ رَبَّكم بِنِياتٍ صادِقةٍ، وَ قلوبٍ طاهرةٍ أَن يوفِّقَكم لِصيامِهِ، وَ تلاوةِ كتابِهِ، فَإِنَّ الشَّقِيَّ مَن حُرِمَ غفرانُ اللهِ في هذا الشَّهرِ العَظيمِ، وَ أَذكَرُوا بِجُوعِكم وَ عَطَشِكم فيهِ جوعَ يومِ القِيامةِ وَ عَطَشَهُ، وَ تَصَدَّقُوا على فُقرائِكم وَ مَساكينِكم، وَ وَقَرُوا كِبارِكم، وَ أرحمُوا صِغارِكم، وَ صَلُّوا أرحامِكم، وَ أَحفظُوا ألسِنَتِكم، وَ غَضُّوا عَمَّا لا يحِلُّ النَّظَرُ إليه أَبصارِكم، وَ عَمَّا لا يحِلُّ الإِستِماعُ إليه أَسماعِكم، وَ تَحَنَّنُوا على أيتامِ النَّاسِ يَتَحَنَّنُ على أيتامِكم، وَ تَوَبُّوا الى اللهِ مِن ذُنوبِكم، وَ أرفَعُوا إليه أَيْديكم بالدُّعاءِ في أوقاتِ صَلواتِكم، فَإِنَّها أَفضلُ السَّاعاتِ، يَنْظُرُ اللهُ عزَّوجلَّ فيها بِالرَّحمةِ الى عِبادِهِ، يَحِبُّهُم إذا نَجَّوهُ، وَ يَلبِّسُهُم إذا نادَوْهُ، وَ يَسْتَجيبُ لَهُم إذا دَعَوْهُ.

أيُّها النَّاسُ، إنَّ أَنفُسَكم مَرهونَةٌ بِأعمالِكم، فَفكَّوها بِاسْتِغْفارِكم، وَ ظُهُورِكم ثَقيلَةٌ مِن أوزارِكم فَخَفِّفوا عَنها بِطولِ سُجودِكم، وَ اِعلمُوا أَنَّ اللهُ تَعَالَى ذَكَرَهُ أَقسَمَ بِعِزَّتِهِ أَن لا يَعْذِبَ المُصَلِّينَ وَ السَّاجِدِينَ، وَ أَن لا يروِعَهُم بالنَّارِ يومَ يَقومُ النَّاسُ لِربِّ العالمينَ. أيُّها النَّاسُ، مَن فَطَرَ مِنكم صائِماً مُؤمِناً في هذا الشَّهرِ كانَ لَهُ بِذلكَ عندَ اللهِ عِتقُ رَقَبَةٍ، وَ مَغفرةٌ لِمَا مَضَى مِن ذُنوبِهِ، قيلَ: يا رَسولَ اللهِ، وَ لَيسَ كُنَّا يَقدرُ على ذلكَ، فقالَ صلى الله عليه وآله: اتَّقوا النَّارَ وَ لو بِشِقِّ تَمرةٍ، اتَّقوا النَّارَ وَ لو بِشِرْبَةِ مِن

ماءٍ، أيها الناسُ، مَنْ حَسَّنَ مِنْكُمْ فِي هَذَا الشَّهْرِ خُلِقَ لَهُ جَوْازاً عَلَى الصَّرَاطِ يَوْمَ تَزَلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ، وَمَنْ خَفَّفَ فِي هَذَا الشَّهْرِ عَمَّا مَلَكَتْ يَمِينُهُ، خَفَّفَ اللَّهُ عَلَيْهِ حِسَابَهُ، وَمَنْ كَفَّ فِيهِ شَرَّهُ كَفَّ اللَّهُ عَنْهُ غَضَبَهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ، وَمَنْ أَكْرَمَ فِيهِ يَتِيمًا أَكْرَمَهُ اللَّهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ، وَمَنْ وَصَلَ فِيهِ رَحِمَهُ وَصَلَهُ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ يَوْمَ يَلْقَاهُ، وَمَنْ قَطَعَ فِيهِ رَحِمَهُ قَطَعَ اللَّهُ عَنْهُ رَحْمَتَهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ، وَمَنْ تَطَوَّعَ فِيهِ بِصَلَاةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ، وَمَنْ أَدَّى فِيهِ فَرَضًا كَانَ لَهُ ثَوَابٌ مِمَّنْ أَدَّى سَبْعِينَ فَرِيضَةً فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ، وَمَنْ أَكْثَرَ فِيهِ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى تَقَلُّ اللَّهِ مِيزَانَهُ يَوْمَ تَخِفُّ الْمَوَازِينُ، وَمَنْ تَلَا فِيهِ آيَةً مِنَ الْقُرْآنِ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ فِي غَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ، أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ أَبْوَابَ الْجَنَانِ فِي هَذَا الشَّهْرِ مُفْتَحَةٌ فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يَغْلِقَهَا عَلَيْكُمْ. وَإِنَّ أَبْوَابَ النَّيرانِ مُغْلَقَةٌ فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يَفْتَحَهَا عَلَيْكُمْ، وَالشَّيَاطِينُ مَغْلُولَةٌ، فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يَسْلُطَهَا عَلَيْكُمْ، قَالَ امير المؤمنين عليه السلام: فَقُمْتُ وَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا أَبَاحَسَنُ، أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ. ثُمَّ بَكَى، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا يَبْكِيكَ؟ فَقَالَ يَا عَلِيُّ، أَبْكِي لِمَا يَسْتَحِلُّ مِنْكَ فِي هَذَا الشَّهْرِ. كَأَنِّي بِكَ وَأَنْتَ تُصَلِّي لِرَبِّكَ وَقَدْ انْبَعَثَ أَشَقَى الْأَوْلِينَ شَقِيقَ عَاقِرِ نَاقِهِ ثَمُودَ، فَضَرَبَكَ ضَرْبَةً عَلَى قَرْنِكَ فَخَضَّبَ مِنْهَا لِحْيَتَكَ، قَالَ امير المؤمنين عليه السلام: فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَذَلِكَ فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِي؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِكَ. ثُمَّ قَالَ صلى الله عليه وآله: يَا عَلِيُّ، مَنْ قَتَلَكَ فَقَدْ قَتَلَنِي، وَمَنْ أَبْغَضَكَ فَقَدْ أَبْغَضَنِي، وَمَنْ سَبَّكَ فَقَدْ سَبَّنِي، لِأَنَّكَ مِنِّي كَنَفْسِي، رَوْحُكَ مِنْ رَوْحِي، وَطَيْبَتُكَ مِنْ طَيْبَتِي، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَنِي وَابَاكَ، وَاصْطَفَانِي وَابَاكَ، وَإِخْتَارَنِي لِلنَّبُوَّةِ، وَإِخْتَارَكَ لِلْإِمَامَةِ، وَمَنْ أَنْكَرَ أَمَامَتَكَ فَقَدْ أَنْكَرَ نُبُوتِي [1]

حضرت امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که فرمود: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روزی برای ما خطبه خواند و فرمود:

ای مردم! به درستی که ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش به شما رو کرده است. ماهی که نزد خدا بهترین ماه ها، روزهایش بهترین روزها، شب هایش بهترین شب ها و ساعاتش بهترین ساعات است. ماهی که در آن به ضیافت خدا خوانده و از اهل کرامت خدا قرار داده شده اید. نفس های شما در آن ثواب تسبیح دارد و خواب شما در آن عبادت و عمل شما در آن مقبول و دعای شما در آن مستجاب است؛ پس با نیت های راست و دل های پاک، از خدا درخواست کنید که شما را برای روزه و تلاوت قرآن توفیق دهد. به درستی که شقی و بد عاقبت، کسی است که از آمرزش خدا در این ماه بزرگ محروم شود و به گرسنگی و تشنگی خود در این ماه، گرسنگی و تشنگی روز قیامت را یاد کنید. و بر فقیران و مسکینان خود صدقه بدهید، سالمندان را احترام نمایید، بر صغار و خردسالان رحم کنید؛ و صلّه ارحام نمایید و زبان های خود را [از آن چه نباید گفت و چشم های خود را از آن چه نباید به آن نگاه کرد، نگاه دارید؛ و گوش های خود را از آن چه نباید شنید حفظ کنید، و با یتیمان مردم مهربانی کنید، تا با یتیمان شما مهربانی شود، و از گناهان خود به سوی خدا توبه و بازگشت نمایید و دست های خود را در اوقات نماز به دعا بلند کنید که آن هنگام بهترین ساعت ها است. خدا به رحمت به سوی بندگانش نظر می فرماید و هرگاه ایشان با او مناجات نمایند، جواب می فرماید و هرگاه او را ندا کنند، لبیک می گوید و هرگاه او را بخوانند، مستجاب میکند.

ای مردم! به درستی که جان های شما در گرو عمل های شما است؛ پس با استغفار، از گرو بیرون آورید، و پشت های شما از گناهانتان سنگین است. پس به طول دادن سجود، آن را سبک سازید. و بدانید که خدا به عزت خود سوگند یاد کرده است که نمازگذاران و سجده کنندگان را عذاب نکند و آن ها را به آتش جهنم در روز قیامت نترساند. ای مردم! هر کس از شما مؤمن روزه داری را در این ماه افطار دهد، برای او نزد خدا ثواب یک بنده آزاد کردن و آمرزش گناهان گذشته خواهد بود. پس گفته شد: یا رسول الله! همه ما قدرت بر آن نداریم؛ فرمود: با افطار دادن به روزه دار اگر چه به نصف دانه خرما باشد - از آتش بپرهیزید. اگر چه به شربتی آب باشد.

ای مردم! هر کس از شما خلق خود را در این ماه نیکو سازد، گذشتن از صراط در روزی که قدم ها بر آن بلغزد، برای او است.

ای مردم! کسی که در این ماه خدمت غلام و کنیز خود را سبک گرداند، خدا در قیامت حساب او را آسان سازد. و هر کس در این ماه شر خود را باز دارد، خدا خشم خود را از او در روز قیامت باز دارد. و کسی که یتیمی را در این ماه گرامی بدارد، خدا او را در روز قیامت گرامی دارد. و کسی که در این ماه با خویشاوند خود صله نماید، خدا او را در قیامت به رحمت خود وصل کند. و کسی که در این ماه قطع رحم کند، خدا در روز قیامت رحمت خود را از او قطع فرماید. و هر کس در این ماه نماز مستحبی به جای آورد، برای او برائت از آتش نوشته می شود. و کسی که نماز واجب به جای آورد، مثل کسی است که در ماه های دیگر هفتاد نماز واجب به جا آورد. و کسی که در این ماه بسیار بر من صلوات بفرستد، خدا در روزی که میزان ها سبک باشد، میزان او را سنگین

سازد. و هر کس در این ماه تلاوت آیه ای از قرآن کند، ثواب ختم قرآن در ماه های دیگر را دارد.

ای مردم! درهای بهشت در این ماه گشوده است؛ از خدا بخواهید که [این درها را] به روی شما نبندد و درهای آتش، بسته است؛ از پروردگار خود بخواهید که آن ها را به روی شما باز نگرداند. و شیاطین در بند هستند؛ از خدا درخواست کنید که آن ها را بر شما مسلط نسازد.

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پس من برخاستم و عرض کردم: یا رسول الله! بهترین اعمال در این ماه چیست؟ فرمود: یا ابالحسن! فاضل ترین اعمال در این ماه پارسایی است از آن چه خدا حرام کرده است.

سپس رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گریست. عرض کردم: یا رسول الله! چه چیز شما را به گریه درآورد؟ فرمود: گریه می کنم برای آن چه در این ماه به تو می رسد. گویا تو را می بینم که برای پروردگارت نماز می گزاری. و برخواسته است شقی ترین اولین و آخرین جفت پی کننده ناقه ثمود و بر فرقت ضربتی زده است که با آن ریش تو خضاب شده است. پس، من عرض کردم: این در سلامت دین من است. فرمود: در سلامت دین تو است! سپس فرمود: یا علی! هر کس تو را بکشد، مرا کشته و هر کس تو را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته؛ برای این که تو از من، مثل جان منی و طینت تو از طینت من است و تو وصی من و خلیفه من بر امتم هستی!

پیام معظم له به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله تعالى ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾

مسلمانان، امت اسلام، ماه مبارک رمضان عید اولیاءالله و میعاد اصفیاء الله و بهار قرائت قرآن کریم و موسم حضور در مساجد و ضیافت و میهمانی خدا و بازگشایی یکی از بزرگترین مدرسه های عام آموزشی و تربیتی اسلامی را که شامل همگان از پیر و جوان و مرد و زن و عوام و خواص و دانشجو و استاد و کارگر و کارفرما و لشکری و کشوری و شهری و روستایی است، به همه تبریک و تهنیت عرض می نمایم.

مدرسه ای که کلاس های بزرگ آن مساجد و نماز جماعت ها و مجالس موعظه و تبلیغ معارف و احکام و هدایت همگان است و همه در هر درجه از علم و معرفت باشند، در آن شرف شرکت می یابند و در رأس همه قطب عالم امکان و عدل یگانه قرآن، حضرت صاحب الزمان مولانا المهدی ارواح العالمین له الفدا در آن حضور دارند و بیشتر از هر کس از رحمت ها و عنایات الهی که در این ماه نازل و متواتر است بهره مند می باشند.

مدرسه ای که کلاس های کوچک آن خانه های شخصی و اطاق های فردی است، کتاب های درسی آن قرآن مجید و نهج البلاغه و احادیث شریفه و صحیفه کامله و دعای افتتاح و دعای جامع و معرفت بخش و سازنده ابوحمزه است. راستی این ماه بزرگ چه ماه جامعی است، ما مسلمانان باید خدا را از این برنامه ها و فرصت های خوب و سازنده ای که به امت اسلام موهبت شده است سپاسگزار باشیم.

باید قدر این هدایت‌ها را بشناسیم و در حقایق آن تفکر و اندیشه داشته باشیم، در معانی دعاها تأمل کنیم، پیام‌هایی را که روزه و این دعاها به جامعه ما، به مسئولین امور، به افراد و اشخاص، به مقامات و به لشکری و کشوری و به توانگران و به فقرا و به علماء و دانشمندان و نویسندگان و همه اقشار دارند به گوش جان بشنویم.

عزیزان، برادران و خواهران، خدا می‌داند اکنون که این سطور را برای آن که تقدیم خدمت شما بنمایم می‌نویسم، جمال ماه رمضان را چنان زیبا و عالم آرا می‌بینم و از آن بقدری احساس لذت و ایمان می‌نمایم که خود را از توصیف آن عاجز می‌یابم من باید بگویم اگر امثال این بنده حقیر ناچیز این ماه شریف را به این جمال می‌بینیم، اهل الله و کسانی که بیشتر و بیشتر به معانی این ماه و آداب و برنامه‌های آن آگاهی دارند آن را در چه جمالی می‌بینند.

حضرت رسول اکرم صلوات الله علیه و آله، و ائمه طاهرین علیهم‌السلام این ماه عزیز را در چه جمالی دیده و می‌بینند که در عین حال بخشی و جلوه‌ای از جمال اسلام است.

برادران و خواهران به این دین و به این افتخارات، به اسلام، به قرآن به هویت اسلامی، به عزت اسلامی خود، به ماه رمضان، به ولایت اهل بیت علیهم‌السلام، ببالید. در این ماه مبارک با اسلام، با قرآن با احکام خدا تجدید عهد نمایید؛ «العزة لله و لرسوله و للمؤمنین» عزت اسلامی، دین خدا و اخلاق و سنت‌های اسلامی را عزیز و گرامی بدارید. در مساجد و مراسم این ماه شرکت نمایید و شکوه التزام خود را به دین و شعائر اسلام نشان بدهید؛ در هر کجا و در هر شهر و روستا هر مسجدی را اهلش خالی بگذارند، آن مسجد به خدا از اهلش شکایت می‌نماید.

فاضل ترین اعمال در این ماه و در همه ماه ها ترک گناه، ترک حرام، ترک معصیت است، مواظب و مراقب خود باشید، دشمنان اسلام برای ضربه زدن به حیثیت اسلامی ما کمین گرفته و دائماً در توطئه هستند؛ به اسم آزادی، به اسم حقوق بشر، به اسم تساوی زن و مرد و به اسم های دیگر می خواهند ما را از اسلام جدا کنند و به شخصیت اسلامی ما ضربه بزنند، با ایادی خود، با قلم های مسموم، با تبلیغات، با اختلاط زن و مرد، با زیر سؤال بردن احکام خدا معروف را منکر و منکر را معروف جلوه می دهند، به هوش باشید، در جای خود بایستید، سنت های اسلامی را محکم نگاه دارید، دشمن موسیقی را به اسم هنر، بی بند و باری و بی اعتنایی به احکام و آداب را به اسم آزادی ترویج می نماید. دیگران اگر در تکنیک و صنعت و زور و استیلا و استکبار قدرت یافته اند و با این زور و قلدری می خواهند فرهنگ منحنی و فاسد خود را بر دنیا حاکم کنند، در اخلاق، در انسانیت در حیا و شرافت و وجدان و کرامت بشری بسیار پست و پوچ و بی محتوا و مصداق ﴿يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ﴾ و ﴿... أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ...﴾، می باشند، ارزش هایشان ضد ارزش و هنرهایشان عیب است، در برابر چشم میلیاردها انسان مظلومی که در تاریخ بشریت بی سابقه است، مرتکب می شوند و از کسی حیا نمی کنند و خود را متمدن می شمارند.

در چنین دنیایی مؤمنان به اسلام و احکام اسلام بیندیشند و در حفظ مواضع و مواضع اسلامی سستی نکنند. این وعده خداست باید هشیار باشند، هم بر خود واجب بدانند که در برابر این زورگویی ها آماده دفاع باشند و به هر سلاح لازم مسلح باشند و هم خطر هجوم های به اصطلاح فرهنگی آنها را به اسلام و به اخلاق و آداب و سنن اسلامی کم نگیرند و استقلال اسلامی خود را در برابر

دشمنان حتی در ظاهر لباس و عادات متعارف حفظ نمایند و فقط به اسلام و احکام اسلام بیندیشند و در حفظ مواقف و مواضع اسلامی سستی نکنند، این

وعدده خداست: ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [۲]

روزشمار تاریخی ماه مبارک رمضان [۲]

بیعت با ولایتعهدی امام رضا علیه السلام

از حوادث و اتفاقات تاریخی که در ماه مبارک رمضان به وقوع پیوست، بیعت با ولایتعهدی حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام بود که بنا به نقل «شیخ مفید» و دیگران، در روز اول ماه رمضان سال ۲۰۱ هجری صورت گرفت.

واقعه واگذاری ولایتعهدی به حضرت رضا علیه السلام از جانب مأمون یک نقشه سیاسی بود. به این ترتیب که مأمون برای فرونشاندن آتش انقلابات داخلی و تظاهر به حسن نیت و ارادت خود به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله این عمل را انجام داد.

وفات جناب ابوطالب علیه السلام

یکی دیگر از اتفاقات تاریخی ماه مبارک رمضان، وفات حضرت ابوطالب است. بنا به قول شیخ مفید قدس سره در هفتم ماه رمضان سال دهم بعثت، سه سال قبل از هجرت، ابوطالب یگانه حامی و کفیل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وفات نمود. همان بزرگمرد ارجمندی که از اجتماع قریش و نقشه ها و تهدیدات و قطع روابط و آزار و اذیت ایشان بیم نداشت و تا زنده بود، با خلوص نیت، از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حمایت کرد و به او گفت: اذْهَبْ يَا بْنَ أَخِي فَقُلْ مَا أَحْبَبْتَ فَوَ اللَّهِ لَا اسَلُّمَكَ لَشَيْءٍ أَبَدًا

ای پسر برادرم! برو و هر چه دوست داری بگو؛ به خدا سوگند تو را در هیچ پیش آمدی تنها نمی گذارم.

از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است:

اگر ایمان ابیطالب را در یک کفه ترازو و ایمان این خلق را در کفه دیگر گذارند، ایمان او سنگین تر خواهد بود.
مقام آن حضرت چنان رفیع بود که پیامبر ﷺ در مصیبتش گریان شد و بسیار اندوهناک گردید.

وفات حضرت خدیجه ع

در سال دهم بعثت، سه سال قبل از هجرت، در ماه مبارک رمضان، امّ المؤمنین خدیجه، بانوی مؤمنه و فداکار پس از سپری شدن شصت و پنج سال از عمر پر برکتش، در گذشت و بنا به قول «مفید»، این واقعه دردناک، در روز دهم ماه رمضان اتفاق افتاد، و رسول خدا او را به دست خویش، در حجّون مکه مکرمه دفن کرد، و حزن و اندوه آن حضرت، در مصیبت او به حدّی زیاد شد که آن سال را «عامّ الحُزن» نام نهاد.

خاندان خدیجه، از جانب پدر و مادر و اجداد پدری و مادری از اصیل ترین خانواده های «جزیره العرب» و صاحب شرافت و سیادت بودند.
خدا خواست که این بانوی بی همتای حرم نبوت و مادر یازده اختر برج امامت و ولایت، در عقل و ادب و حکمت و بصیرت و معرفت، نابغه و ممتاز باشد. او نمونه برجسته کمال و نبوغ و فهم و بینش بود که همانند آن را در میان مردان و زنان، کمتر می توان یافت و عفت، نجابت، طهارت، سخاوت، حسن معاشرت و صمیمیت و مهر وفا از جمله صفات برجسته او بود.

اجرای عقد اخوت

بنا به نقل «مفید» در روز دوازدهم ماه رمضان، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بین اصحاب، عقد اخوت قرارداد و بین خود و علی عَلِيٌّ نیز پیوند برادری برقرار کرد.

موضوعی که در این صحنه مودت ساز و محبت آفرین، جالب و با اهمیت بود، انتخاب حضرت علی عَلِيٌّ توسط پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به برادری خود بود. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همه را با هم برادر کرد و به گفته بسیاری از مورخان و محدثان، افرادی را که هم طراز و هم رتبه بودند، برادر قرار داد.

بر این اساس، برای خود نیز باید برادری انتخاب می کرد. به راستی آن کس که لایق و شایسته این مکرمت باشد، کیست؟ و آن کس که بتواند، قرین و هم طراز پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باشد (جز در مقام نبوت) چه شخصیتی است؟

این انتخاب، یک انتخاب ساده نبود. یقیناً پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کسی را برای خود انتخاب می کرد که از هر جهت شایسته باشد. برادری که همفکر و هماهنگ و همزبان با او باشد؛ و نسبت به جان و مال و هر چه دارد فداکار باشد و بتواند حق برادری رسول خدا را ادا کند. آری، به غیر از علی، کسی لایق چنین مقامی نبود که پیامبر در حقیقت فرمود: «أَنْتَ مِنْنِي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي»

ولادت امام حسن مجتبی عَلِيٌّ

بنا به اختیار «مفید» قدس سره در «مسارالشیعه» و «شیخ بهایی» رحمه الله در «توضیح المقاصد» سبط اکبر، حضرت امام حسن عَلِيٌّ در پانزدهم ماه رمضان سال سوم هجرت متولد شد. پس از آن رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در گوش راستش اذان، و در گوش چپش اقامه را قرائت فرمود و بدین گونه نخستین

صدایی که گوش نوزاد با آن آشنا شد، صدای آشنای جدش، خاتم الانبیاء
ﷺ بود؛ صدایی که ندا دهنده توحید، تکبیر، تهلیل و نبوت بود.
پیامبر گرامی ﷺ به حضرت علی علیه السلام فرمود: آیا این نوزاد مبارک را نام
گذارده ای؟

حضرت علی علیه السلام فرمود: من بر شما سبقت نمی گیرم!
هنوز لحظاتی نگذشته بود که بشیر وحی جبرئیل نازل شد و فرمان خدا را به
پیغمبر ﷺ رساند: «سمّه حسناً»؛ او را حسن نام گذار.

ولادت حضرت جواد علیه السلام

بنا به قول «شیخ مفید» رضوان الله علیه در «مسار الشیعه» ولادت با سعادت
حضرت امام محمد تقی علیه السلام در پانزدهم ماه مبارک رمضان سال ۱۹۵ هجری
اتفاق افتاد.

در اخلاق کریمه و صفات پسندیده و علم و معرفت و دانش و زهد و تقوا،
وارث اجداد بزرگوار و در عظمت و جلالت زبانزد خاص و عام بود و شخصیت
های بزرگ علمی و دینی در برابر او خاضع و فروتن بودند.

غزوه بدر

در هفدهم یا نوزدهم ماه مبارک رمضان سال دوم هجرت، غزوه بدر اتفاق
افتاد.

این غزوه، نخستین مقابله سپاه اسلام با کفر و نبرد اهل توحید با اهل شرک
بود. مشرکان در این جنگ، از جنبه ساز و برگ و اسلحه و مهمات بر مسلمانان
برتری داشتند و نفرات و افراد آنها تقریباً، سه برابر سپاه اسلام بود. پیروزی سپاه

اسلام در این جنگ، برای آینده اسلام، از ارزش و اهمیت ویژه ای برخوردار بود. و در تعیین مسیر تاریخ اسلام، به حسب ظاهر تأثیر فراوان داشت. قهرمان و یگانه مجاهد و فداکار این غزوه و غزوات دیگر، امیرالمؤمنین علیه السلام بود. با این که هنوز سن آن حضرت به بیست نرسیده و پیش از این غزوه در جنگ و نبرد دیگری شرکت نکرده بود، مردانگی ها و شجاعت هایی که از او ظاهر شد، از افراد با سابقه و رزمندگان و مردان سالخورده ظاهر نگشت.

فتح مکه

﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا﴾

ما تو را پیروزی بخشیدیم [چه پیروزی درخشانی!]

یکی از بزرگترین فتوحات اسلام و دین توحید، «فتح مکه» بود که بر حسب کتب معتبره، در بیستم ماه مبارک رمضان سال هشتم هجرت اتفاق افتاد. تا هشتم هجرت فتوحات و پیروزی های فراوانی نصیب اسلام شده بود؛ اما شهر مکه، همچنان در تصرف بت پرستان و مشرکان باقی مانده، و بت پرستی، فساد و انحطاط اخلاقی، استثمار و استعباد انسان ها در آنجا رایج بود. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به امر خدا با ده هزار نفر از مسلمانان آهنگ شهر مکه فرمود.

ابوسفیان و گروه او از مخالفت و مقاومت نا امید شده و مکه بدون هیچ مقاومت قابل توجهی آزاد شد، و به دین خدا و آیین جدید و قوانین آزادیبخش اسلام گروید.

شهادت مولای متقیان، امیرمؤمنان علیه السلام

یکی از حوادث بزرگ ماه رمضان که سیر تاریخ اسلام را تغییر داد، شهادت مولای متقیان، امیر مؤمنان، علی علیه السلام بود. علی علیه السلام همان کسی است که پیامبر صلی الله علیه و آله او را از کودکی با آواز دلنواز و ملکوتی خود می خوابانید و نوازش می کرد و پرورش می داد؛ همان کسی که در غار حرا هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به پرستش و عبادت خدا و تفکر مشغول بود، او را همراهی می کرد. علی علیه السلام همان کسی است که پیامبر صلی الله علیه و آله تمام علوم خویش را به او آموخت تا نسخه ای از اصل باشد.

او که موحد به دنیا آمد، موحد از این جهان گذشت، و به پرستش بت ها آلوده نگردید. هرگز در اسلام کسی به سابقه او نمی رسد و هیچگاه از پیامبر و دین و روش او جدا نشد و حتی هفت سال پیش از دیگران با پیامبر صلی الله علیه و آله نماز خواند.

جوانان می پرسند [۴]

قرآن

اعجاز قرآن

س. چرا می گوئیم قرآن معجزه است؟

ج. قرآن مجید از جهات عدیده مانند علو محتوی و فصاحت و بلاغت و سائر خصوصیات به مرتبه ای است که اگر تمام انس و جن جمع شوند نمی توانند یک سوره یا یک آیه مانند آن بیاورند.

قرآن کریم جن و انس را در این امر تحدی نموده است «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا» [۵] و بعد از قرن ها که از نزول قرآن مجید گذشته است کسی مانند آن را نیاورده با آنکه افراد زیادی در مقام مبارزه با قرآن بوده اند.

تحریف قرآن

س. با مطالعه برخی از کتب اهل سنت شبهاتی برای ما ایجاد گردیده است از جمله تحریف قرآن به عقیده برخی علمای معروف شیعه و سایر مواردی که در کتب فوق و دیگر کتب موجود است، ما را در رفع این شبهات یاری فرمایید.

ج. در قرآن کریم هیچگونه تحریفی واقع نشده و در این رابطه رساله ای بنام «القرآن مصون من التحریف» و بخشی در کتاب «مع الخطیب» با عنوان «صیانة الكتاب من التحریف» دارم، مراجعه نمائید.

رسم الخط یا رسم الاملا

س. قرآن هایی که در حال حاضر در جهان اسلام مورد استفاده قرار می گیرد بصورت عمده از دو شیوه نگارشی «رسم المصحف» (مانند قرآن های به

خط عثمان طه) و «رسم الإملاء» (مانند عمده قرآن های ایرانی) تبعیت می کنند. «روش نگارش رسم المصحف» در قرآن کریم از حدود یکصد سال پیش در حالی در کشور مصر احیاء شد که از بدو اختراع خط نسخ (حدود قرن چهارم هجری) تا آن تاریخ، غالب قرآن های مورد استفاده در کشورهای عربی نیز با «شیوه رسم الإملاء» کتابت شده و حتی غالب نمونه قرآن هایی که در سایت «مرکز طبع قرآن ملک فهد عربستان» به نمایش گذاشته شده به «شیوه رسم الإملاء» است. با توجه به تفاوت هایی که در نگارش کلمات در این دو شیوه وجود دارد و با عنایت به اصرار برخی از کشورهای اسلامی بویژه عربستان سعودی بر معرفی و ترویج «شیوه رسم المصحف» به عنوان میراث مأثور و امر توقیفی که مورد تأیید شخص حضرت رسول صلی الله علیه و آله است و به حاشیه راندن شیوه «رسم الإملاء» با وجود قدمت هزار ساله، استفاده فراگیر مسلمین و سهولت قرائت آن، مستدعی است نظر مبارکتان را درباره امور ذیل بیان فرماید:

۱. آیا رسم الخط قرآن امری توقیفی است؟ ۲. آیا کتابت قرآن به شیوه رسم الإملاء جایز است؟ ۳. آیا استفاده از شیوه رسم المصحف در نگارش آیات رجحان شرعی بر رسم الإملاء دارد؟

ج. رسم الخط توقیفی نیست بلکه رسم الخط برای حفظ کلمات قرآن است که باقی بماند و به آیندگان برسد. و رسم الاملاء مقدم بر رسم المصحف است زیرا رسم المصحف در بسیاری از موارد و بسیاری از کسانی که قرآن می خوانند سبب اشتباه و غلط خواندن می شود در حالی که بر طبق رسم الاملاء به سهولت و صحیح خوانده می شود مثلاً بر طبق رسم المصحف در آیه شریفه ۳۵

سوره مبارکه بقره چنین نوشته شده «» و بر شیوه رسم الاملاء (یا آدم) یا در آیات دیگر کلمه طوری نوشته شده که قرائت آن سبب اشتباه می شود.

قرآن یا ترجمه آن

س. ترجمه قرآن کریم مهم تر است یا قرائت قرآن کریم؟
ج. خواندن ترجمه صحیح قرآن کریم نیز بسیار خوب است و فضیلت و ثواب دارد و تا حدودی شخص را با قرآن مجید آشنا و مربوط می سازد اما ثوابهای خاص و مهمی که برای قرائت قرآن است به خواندن خود قرآن به همان الفاظ عربی اختصاص دارد. ترجمه هرچه هم دقیق و رسا باشد بالأخره کلام بنده و مخلوق است و قرآن کلام خدا و خالق و هرگز ترجمه قرآن را نمی توان مثل ترجمه کتاب های دیگر در کنار هم و مانند هم دانست. باید ترجمه قرآن را پله اول صعود به معارف الهی و حقائق غیر متناهی دانست و صعود را تا هر کجا ممکن است ادامه داد و بدیهی است که تفسیر از سطح عمیق تر و غنای بیشتری برخوردار است و مفسر باید علاوه بر تسلط به لغت عرب، آگاه به روایات وارده از معصومین علیهم السلام درباره آیات قرآنی نیز باشد.

ضمیر متکلم مع الغیر در قرآن

س. منظور خداوند از آوردن کلمه «ما» که در بعضی از آیات اشاره شده، چه کسانی هستند؟

ج. یک نکته آن به اقتضای اشاره به عظمت متکلم در مقام بیان بعضی مطالب است که به ضمیر جمع مناسب با بلاغت و تکلم به مقتضای حال است، تا مخاطب، با توجه به عظمت متکلم، مطلب را - چنانکه باید و شاید و به طور جدی - دریافت نماید و اهمیت آن را درک کند؛ مثل: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»، که به این تعبیر مشحون از اعجاز و متضمن پنج ضمیر جمع،

محفوظ بودن درون قرآن مجید را به حفظ الهی، به طور بسیار اکید و بلیغ بیان فرموده است؛ که با تعبیری مثل: «انی نزلت الذکر و انی له لحافظ» بیان نمی شود.

نکته دیگر این است که گاهی بعضی کارهای الهی به واسطه ملائکه - که جنود و عدد آنها را هم غیر از او کسی نمی داند: «وما یعلم جنود ربک إلا هو» - انجام می گیرد و ملائکه مدبرّات یا مقسّمات و دیگران که مأموریت هایی دارند، به عنوان واسطه عمل می کنند. برای این که اشاره به این باشد که این عمل بدون واسطه انجام نشده، به لفظ جمع متکلم مع الغیر بیان می شود؛ مثل اینکه بلا تشبیه مدیر یک کارخانه و مؤسسه - که همه امور و جریان آن کارخانه به واسطه یا بی واسطه، کار اوست - می گوید: این کار را کردیم، و گاه ضمیر متکلم وحده بیان می شود که عنایت خاص به چیزی و به خلق بلاواسطه چیزی معلوم شود و احتمال مداخله غیر و وسایط دفع شود؛ مثل: «یا موسی اننی انا الله» که در مثل این مورد، استعمال ضمیر متکلم مع الغیر منافی با مقصود است.

امیرالمؤمنین علیه السلام

علم امیرالمؤمنین علیه السلام به شهادت خود

س. از خطیبی شنیده ام که حضرت علی علیه السلام از شهادت خود در روز بیست و یکم رمضان به وسیله ابن ملجم علیه اللّٰعنة آگاهی داشته است. چرا علاج واقعه قبل از وقوع نکردند با وجود آنکه قرآن فرموده: «لاتلقوا بأیدیکم إلی التهلکة»؟

ج. این ایراد که با این علم چگونه امیرالمؤمنین اقدام به هلاکت خود فرموده و با اراده و اختیار به مسجد تشریف بردند؛ یا بعضی دیگر از ائمه علیهم السلام دانسته و با عدم اجبار به تناول، سمّ و زهر را میل فرمودند، فقط در این مورد جاری

نیست و نظیر آن در موارد دیگر نیز قابل طرح است. جواب این است که اولاً، این عالم و نظام آن بر این اساس است که حوادث و امور مادی، جز در مواردی که اعجاز و مصالحی اقتضا کند، بر مجرای علوم عادی و مادی نوع بشر جریان می یابد. مثلاً با زحمت و کوشش، داروهای انواع بیماری ها را کشف و بر قوای طبیعی مسلط می شوند، یا با قدرت و نیروی بدنی و اسلحه و استقامت و شجاعت جهاد می نمایند، و دشمن را مغلوب می سازند. ثانیاً، انبیا و ائمه علیهم السلام در روش زندگی و سلوک، معاشرت و معاملات و مجالست با اصحاب و مؤمنین و اغیار و اخیار و فجّار، به طور عادی و متعارف رفتار می فرمودند، و به علم و قدرتی که به آنها اعطا شده، جز در موارد استثنایی، عمل نمی کردند؛ و از راه علم امامت از خود دفع خطر و فقر و امراض و ابتلائات را نمی فرمودند؛ چون غیر این روش، نقض غرض و منافی با حکمت و هدف بعثت انبیا و نصب ائمه هدی علیهم السلام است. ثالثاً، تکالیف آن بزرگواران هم مثل دیگران اغلب در حدود علوم عادی و متعارف بوده است، و مأمور به ترتیب اثر به علوم خاصی که دارند، نبوده اند. در مثل نهی «و لا تلقوا بأیدیکم إلی التهلکة»، مثل دیگران مأمور بوده اند که به علم عادی رفتار نمایند. تهلکه منهی عنه در آیه، همان تهلکه ای است که به علم عادی و علمی که برای غیر امام حاصل می شود، معلوم می گردد. آنان در انجام تکالیف، شرایط عامّه را ملاحظه می فرمودند، مثلاً اگر اطلاع از آب به نحو غیر عادی داشتند، تکلیفشان مثل دیگران تیمّم بوده؛ چنان که در قضا و حکومت و تدبیر امور نیز به همین نحو عمل می کردند و به بینه و یمین حکم می دادند. رابعاً، شهادت از بهترین وسایل فوز و رستگاری و تقرّب به خداوند متعال است و با علم، به استقبال آن رفتن ممدوح و پسندیده است. خامساً، اتمام حجّت و انجام امتحاناتی که خدا از بندگان خود

می نماید، به غیر این نحو که آن بزرگواران به ظواهر عمل کنند، امکان پذیر نیست.

عدم تصریح بنام امیرالمؤمنین علیه السلام در قرآن

س. چرا نام علی علیه السلام در قرآن نیامده است؟

ج. در مثل است «الكنایة ابلغ من التصريح» گاهی به کنایه مقصود را بیان کردن رساتر از تصریح است. در قرآن مجید آیات متعدد است که به کنایه به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام دلالت دارد یا از این جهت که فقط آن حضرت منحصرأ مدلول آن می باشد با اینکه مصداق اظهر و اکمل آن امیرالمؤمنین علیه السلام است که برای اشخاص آشنا و مخاطب امیرالمؤمنین علیه السلام متبادر می شود و این نکته مهمی است که این آیات به غیر این قابل تفسیر نیست مع ذلک هم این دو آیه «وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِي حَكِيمٌ» (الزخرف / ۴) و «... وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا» (مریم / ۵۰) محتمل الانطباق بر آن حضرت است.

دعا و مناجات

عربی بودن زبان ادعیه

س. چرا ما باید راز و نیازهای خود را به زبان عربی و دعاهای تکراری که صحبت های شخصی با خداوند است مانند دعای کمیل که صحبت امام علی با خداوند است انجام دهیم؟ راز و نیاز کردن به این طریق، زیبا که نیست حتی برای خیلی ها خسته کننده است و اصلاً حال خوبی به انسان دست نمی دهد مگر خداوند عرب زبان است یا اینکه ما انسان ها و خداوند مانند کامپیوتر یا ماشینی شبیه می مانیم که یکسری کارها را روزانه علیرغم میلمان تکرار کنیم؟

ج. در الفاظ عربی نکات ادبی و مضمونی وجود دارد که به فارسی ادا نمی شود اگر هم ادا شود همه نمی توانند علاوه بر اینکه این الفاظ آنچه که قرآن

است وحی الهی است و نکات و جهاتی که در آن منظور است در چنان حد کمالی است که بشر نمی تواند کما هو حقّه آن را به لغت دیگر و بلکه به لغت عربی و لفظ دیگر ادا کند. اذکار هم همه مأثور و از اهل بیت وحی علیهم السلام رسیده است. مضافاً بر این که تعهد بر خصوص این الفاظ موجب اتحاد شکل و حفظ اساس می شود و ترجمه آن به زبان های مختلف به مرور زمان خصوص که هر کس خودش ترجمه را بگوید موجب اختلاف در اصل مضمون می شود و معایب زیاد دارد و خلاصه برای حفظ این جهت و رفع این معایب باید قرائت و اذکار واجب به عربی باشد و ظاهراً در این گونه دعاها با توجه به معرفت و کمال آن بزرگواران و نیز احاطه ای که بر نفوس انسان ها و تمایلات و هواها و جهالت ها و ضلالت ها و بی خبری ها و غفلت های آنها دارند و عاقبت امور را هم می دانند از لسان آنها در صورت توجهشان به موقعیت خود سخن می گویند و گویا به زبان حال می فرمایند: ای انسان تو در چنین وضعی قرار گرفته ای و باید حالت چنین باشد و مشاهده می کنیم گاهی کسی در خطر عظیمی قرار گرفته و چون بی خبر و غافل است بی تفاوت عمل می کند و در این حال شخص عاقل و دلسوزی که خطر را احساس می کند به حال او گریه می کند و در روایات هم مؤیداتی بر این امر وجود دارد که مجال ذکرش نیست. در هر صورت دعا به هر زبانی که باشد مطلوب است و ثواب دارد.

سن بلوغ

سن تکلیف دختران

س. با استفاده به کدام منبع فقهی و چه ادلهی سن تکلیف دختران را ۹ سال

می دانید؟

ج. خداوند متعال که خالق پسر و دختر است و قدرت و آمادگی و اسرار وجودی آنها را می داند تفاوت گذاشته سپس پیغمبر اکرم و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین آن را به ما خبر داده‌اند و جهت آن را خودشان می دانند و آنچه برای ما روشن است و هیچ تردیدی در آن نداریم اصل حکم است و همین اندازه برای وجوب اطاعت و معذور نبودن در مخالفت کافی است و اصل حکم از منابع فقهی مانند روایات بدست آمده است.

روزه

وجوب روزه

س. چرا روزه واجب است؟

ج. چنان چه می دانیم روزه دارای فواید، حکمت‌ها، مصالح روانی و اخلاقی، جسمی، اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی، درمانی و حتی سیاسی است. برخی از حکمت‌های اجتماعی روزه عبارتند از:

۱. یکی از فواید اجتماعی روزه این است که روزه، اراده اجتماع را قوی و همّت جامعه را بلند و بر هواها و امیال و شهوات، حاکم و مسلّط می سازد. کسی که توانست مدّت چهارده ساعت کمتر یا بیشتر در شدّت گرما، طعام و غذا را ترک و زحمت و رنج تشنگی را تحمل کند، و از لذایذ جنسی خودداری نماید، می تواند برای خاطر مصالح بزرگ اجتماعی و برای حفظ شرف و آبروی خود و جامعه نیز شکیبایی ورزد، و زحمات و دشواری‌ها و ناراحتی‌ها را برای نیل به مقاصد عالی اجتماعی متحمل گردد.

۲. یکی دیگر از فواید اجتماعی روزه، تذکّر و یاد کردن حال فقرا و طبقه محروم و توجّه به شرافت نفس و علوّ طبع بی نوایان صابر و شکیبا است. اگر روزه دار متمکن و توانگر فقط در ماه رمضان به صبر و شکیبایی می پردازد و

از خوردن غذاهای لذیذ و اعمال غریزه جنسی خودداری می کند، فقیر و محروم صابر و با ایمان، علاوه بر اجرای برنامه ماه رمضان در دوره سال، بر محرومیت هایی که دارد صبر می کند و از حدود شرع تجاوز نمی نماید و زبان به شکایت از خدا نمی گشاید و به مال کسی چشم طمع ندوخته و به اغنیا و ثروتمندان حسد نمی ورزد.

۳. از دیگر فواید روزه آن است که روزه دار، حقیقت آزادی و حریت را درک می کند و روزه او را از عبادت، شهوات، عادات و پرستش هوای نفس آزاد می سازد و روح او را ارتقا داده و فکرش را روشن می نماید و در پیکر اجتماع، روح آزادی می دمد و همه را به خضوع در پیشگاه آفریدگار - که جز او کسی سزاوار پرستش نبوده و هر مخلوقی از قید رقیت و عبودیت او بیرون نیست - رهبری می نماید و از بشرپرستی و کرنش و تعظیم در برابر صاحبان قدرت های مادی و ستمگران باز می دارد.

۴. روزه، تمرین اخلاص و پاکی نیت و تنزه از ریا، و اجتناب از شهرت طلبی و مدح و ثنای خلق است. این عیوب و آفات در امور نیک دیگر بیشتر وارد می شود؛ ولی روزه دار برای ریاکاری ناچار به حفظ رژیم روزه و امساک از مفطرات نیست؛ زیرا ممکن است در خلوت از مفطرات امساک ننماید و خود را روزه دار معرفی کند.

پس اگر شخصی در تمام مدت روز و در خلوت و جلوت، پنهان و آشکار روزه دار بود، علامت پاکی نیت و صدق باطل و اخلاص او است و فایده آن، تمرین و تربیت نفس بر خلوص نیت و طهارت مقصد و پرهیز از حب شهرت و عوام فریبی و حب جاه و کسب اعتبار در بین مردم است.

۵. یکی دیگر از فواید اجتماعی روزه حصول ملکه حسن خلق و عفو و گذشت و دوری از کینه توزی، تندخویی، بدزبانی، ستیزه جویی، غیبت و دشنام است؛ زیرا از جمله تعالیمی که به طور مؤکد به روزه دار داده شده، این است که مواظب چشم و زبان و گوش خویش باشد و اگر از کسی نادانی و بی ادبی دید یا دشنام و سخن زشتی شنید به او پاسخ ندهد.

این برخی از فواید و حکمت های اجتماعی روزه بود که نشان می دهد که روزه یک کلاس تربیتی، اجتماعی و عملی و تعلیم سلوک و معاشرت هر چه بهتر و منزّه تر و انسانی تر است.

۳۰ روز، ۳۰ جلسه احکام شرعی

جلسه ۱: روزه

۱. هنگامی که روزه می گیرم، بدنم به شدت سست می شود و نمی توانم کارهایی مثل درس خواندن را انجام دهم، وظیفه من چیست؟
ج. این گونه ضعف و سستی ها تقریباً لازمه روزه است و برای نوع افراد پیش می آید و نمی توان به خاطر آن، روزه را خورد. می توانید سحر از غذای مقوی استفاده کنید و ساعات خواب شب را کمی بیش تر نمایید تا در روز دچار مشکل نشوید.
۲. دخترانی که تازه به سن بلوغ می رسند، و قدرت گرفتن همه روزه ها را ندارند، چه وظیفه ای دارند؟
ج. هر مقدار از روزه ها را که می توانند، در ماه رمضان بگیرند و قضای بقیه آن را در طول سال به تدریج بجا آورند. و اگر نمی توانند روزه بگیرند، فعلاً پرداخت کفاره (یک مُدّ طعام تقریباً ۷۵۰ گرم طعام برای هر روز) کافی است و در سال های بعد قضای آن را هم بگیرند.
۳. قضای روزه های رمضان سال گذشته را تا رمضان امسال به تأخیر انداخته ام، کفاره آن چقدر است؟
ج. برای هر روز، یک مُدّ طعام. تقریباً ۷۵۰ گرم گندم، آرد، جو و... به فقیر غیر سید بپردازید و قضای آن را هم بعداً بجا آورید. ۴. آیا در ماه مبارک رمضان، می شود سرم یا آمپول، تزریق کرد؟ اگر تقویتی باشد چطور؟
ج. احتیاط مستحب آن است که روزه دار از استعمال آمپول و سرم خودداری کند و فرقی بین آمپول ها نیست و اگر لازم شد و تزریق کرد روزه او باطل نمی شود.

۵. کسانی که می خواهند روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله یا یکی از ائمه علیهم السلام نقل کنند ولی نمی دانند که سند آن درست است یا نه، چه وظیفه ای دارند؟

ج. اگر بخواهند خبری را که نمی دانند راست است یا دروغ نقل کنند بنا بر احتیاط واجب باید از کسی که آن خبر را گفته، یا از کتابی که آن خبر در آن نوشته شده نقل نمایند.

۶. اگر شخص به قصد بیرون آمدن منی استمناء کند ولی منی خارج نشود، آیا روزه اش باطل می شود؟

ج. شخص مذکور باید آن روز را امساک کند و قضاء هم بگیرد ولی کفاره ندارد.

۷. چنانچه از قول عده ای از متخصصین و منجمین علم اطمینان پیدا کنیم که ماه دیده شده است، آیا می شود گفت فردای آن روز اول ماه شوال و عید فطر است یا باید حتماً مرجع تقلید خودمان اعلام کند؟

ج. اگر ع- ده ای ک- ه از گ- ف- ته آنان یقین یا اطمینان پیدا می شود، بگویند ماه را دیده ایم اول ماه ثابت می شود.

۸. چنانچه شخص روزه دار در ظهر ماه رمضان بخوابد و در خواب محتمل شود، آیا باید فوراً غسل کند یا نه؟

ج. اگر روزه دار در روز محتمل شود، واجب نیست فوراً غسل کند. ۹. مادر بنده سال پیش به بیماری سختی دچار شد و نتوانست روزه هایش را بگیرد. بیماری او تا امسال ادامه دارد و امسال هم نمی تواند روزه بگیرد. حکم روزه های او چیست؟ لطفاً جواب را روشن بفرمایید تا وظیفه شرعی خود را بدانیم؟

ج. اگر مادر شما به واسطه بیماری روزه خود را نگرفته و بیماری اش تا رمضان سال بعد طول بکشد، ق- ضای روزه هایی را که نگرفته بر او واجب نیست و باید برای هر روز یک مد که تقریباً ده سیر است ط-ع-ام ی-ع-نی: گندم یا جو و مانند اینها- به فقیر بدهد.

۱۰. زکات فطره برای کودک شیرخوار واجب است یا خیر؟

ج. بلی، به طفل شیرخوار نیز زکات فطره تعلق می گیرد.

۱۱. فطریه پسر یا دختری که در شهری دور از خود هستند و درس می

خوانند ولی با پول پدر زندگی می کنند، بر عهده پدرشان است یا خودشان؟

ج. در فرض سؤال فطره آنها بر عهده پدر است.

۱۲. پرداخت زکات فطره به کمیته امداد، سازمان بهزیستی و بعضی مؤسسات

خیریه چه صورتی دارد؟

ج. بنظر اینجانب زکات فطره بنا بر احتیاط واجب باید به فقراى شیعه اثنی

عشری برسد و مکلف باید آنچه را تحت عنوان زکات فطره به اینگونه سازمانها

و مؤسسات می دهد یقین کند که بدون کم و زیاد در مورد مصرف، (فقیر شیعه

اثنی عشری) صرف شده و الا ذمه اش بری نمی شود پس برای هر کس این

یقین حاصل شود، اشکال ندارد مثلاً کسی که زکات فطره می دهد و سید نیست

باید یقین کند که به مصرف فقیر غیر سید رسیده است و به سید و به مدرسه و

مسجد و حسینیه نداده اند.

جلسه ۲: تقلید

۱۳. اعلیت یک مرجع از چه راهی ثابت می شود؟ آیا احتیاج به علم

خاصی است یا اینکه عموم مردم نیز می توانند تشخیص بدهند و در بین مراجع

عظام در قید حیات کدام یک اعلم هستند؟

ج. مجتهد و اعلم را از سه راه که در رساله آمده می توان شناخت؛ یکی از راهها آن است که دو نفر عالم عادل که می توانند اعلم را تشخیص بدهند اعلم بودن کسی را بگویند بشرط آنکه دو نفر دیگر مانند آنها مخالف نظرشان نباشند و اگر برای شما بعد از تحقیق از اهل خبره اعلم یا محتمل الاعلمیه را تعیین نکردند مخیرید از هر یک از مجتهدین تقلید نمایید.

۱۴. حکم کسی که بدون تحقیق، از مرجع تقلید پدر یا مادر خانواده تقلید کرده، چیست؟

ج. اگر با اطمینان به صحت تحقیق آنها، مرجعی را اعلم تشخیص داده است، مانعی ندارد؛ در غیر این صورت، لازم است پس از تحقیق، به مرجع اعلم رجوع کند.

۱۵. آیا عدول از مرجع تقلید زنده به مرجع تقلید دیگر جایز است؟

ج. عدول از مرجع تقلید زنده به مجتهد دیگر، بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست؛ مگر آن که مرجع دوم از مرجع اول اعلم باشد.

۱۶. آیا می توان مرجع تقلید خود را تغییر داد؟ دلیل تغییر این است که اجرای بعضی از احکام برایم سخت است و ترجیح می دهم از دستور مرجع دیگری تقلید کنم.

ج. امر مذکور در سؤال مجوز تغییر مرجع تقلید نیست. تنها در صورتی می توان به مرجعی دیگر عدول کرد که مرجع اول شرایط مرجعیت را از دست داده باشد یا اعلمیت مرجع دوم احراز شده باشد.

جلسه ۳: طهارت و نجاست

۱۷. اگر دست یا جایی از بدن نجس شود، چگونه می توان با آب قلیل پاک نمود؟

ج. چنانچه بر اثر بول نجس شده باشد، پس از برطرف شدن عین نجاست دو مرتبه آب بریزید، و اگر بر اثر خون و مانند آن نجس شده باشد، پس از برطرف شدن عین نجاست یک مرتبه آب ریختن کافی است.

۱۸. اگر آب لوله کشی روی زمین نجس بریزد و به لباس و بدن ترشح کند، آیا همچنان پاک است یا نجس می شود؟

ج. چون آب لوله کشی شهرها به کر متصل است، به هر موضع نجسی که برسد آن را پاک می کند. بنابر این، اگر آب لوله کشی، حتی از محلی که نجس است به انسان ترشح کند پاک است؛ مگر این که عین نجاست، (مانند خون) در آب ترشح شده، باشد.

۱۹. چنانچه فرش، نجس شده باشد، ولی فراموش کرده باشیم که کدام قسمت آن بوده، حال اگر با پای مرطوب روی آن راه برویم، آیا پایمان نجس می شود؟
ج. اگر یقین ندارید که پای تر شما با قسمت نجس فرش برخورد کرده است، محکوم به طهارت است.

۲۰. آیا خون کم تر از درهم که در نماز بخشیده شده، پاک است؟

ج. خون کم تر از درهم، نجس و نجس کننده است؛ ولی اگر در بدن و لباس نمازگزار باشد، نماز با آن صحیح است.

۲۱. آیا الکل صنعتی و الکل سفید پاک است؟

ج. اگر از مُسکر مایع بالاصاله تهیه نشده باشد، و یا شک در این جهت داشته باشید، پاک است. ۲۲. حکم استفاده از عطرها و ادکلن ها چیست؟ آیا حکم فرآورده های کشورهای مسلمان با غیر مسلمان فرق دارد؟

ج. عطرها و ادکلن هایی که در کشورهای مسلمان یا غیر مسلمان ساخته می شوند، در صورت شک در طهارت و نجاست آن، محکوم به طهارت است. از این رو استفاده از آنها موجب نجس شدن بدن یا لباس نمی شود.

۲۳. جوهر خودکاری که روی دست باقی مانده آیا برای وضو و غسل اشکال ایجاد می کند؟

ج. جوهر خودکار و هر رنگ دیگر اگر جسمیت داشته باشد و مانع رسیدن آب به پوست باشد، باید برطرف شود؛ ولی اگر فقط رنگ است و جسمیت ندارد، مثل این که بعد از شستن، باز اثر آن باقی باشد، برای غسل و وضو اشکال ندارد.

۲۴. آیا می توان قبل از اذان وضو گرفت و بعد با همان وضو نماز خواند؟

ج. وضو گرفتن به قصد با طهارت بودن مستحب است. بنابراین، با این قصد می توان قبل از وقت نماز، وضو گرفت و بعد از داخل شدن وقت نماز، با همان وضو، نماز خواند.

۲۵. گاهی اوقات از من مقداری آب بی رنگ که لزوج است خارج می شود.

آیا غسل بر من واجب می شود یا نه؟

ج. غیر از بول و منی سه نوع آب از مخرج بول خارج می شود که موجب غسل و وضوء نیستند:

۱. آبی که گاهی بعد از بازی و ملاحظه از انسان خارج می شود نامش (مدی) است و آن پاک است.

۲. آبی که گاهی بعد از خروج منی بیرون می آید و نامش (وذی) است که اگر ظاهر محل تطهیر شده باشد پاک است. ۳. آبی که گاهی بعد از بول بیرون می آید و نامش (ودی) است که اگر بول به آن نرسد پاک است.

حال اگر مایع مذکور علائم منی را نداشته باشد و شما شک در منی بودن آن دارید، محکوم به طهارت است و غسل لازم نیست.

جلسه ۴: نماز

۲۶. کسی که با سرعت به سجده می رود اگر سرش بیش از یک بار به مهر بخورد حکمش چیست؟

ج. در مواردی که سر بدون اختیار از محل سجده برمی گردد و دوباره بدون اختیار به محل سجده می رسد، یک سجده محسوب می شود و نماز صحیح است؛ اما اگر می تواند بعد از برگشتن سر از محل سجده از فرود دوباره آن به مهر جلوگیری کند؛ باید از برگشتن سر به سجده خودداری کند و آن رایک سجده به حساب آورد (حتی اگر ذکر سجده را نگفته باشد) و بعد از نشستن، دوباره به سجده برود و آن را سجده دوم خود حساب کند.

۲۷. اگر در حال خواندن نماز، بچه ای مهر را بردارد، چه باید کرد؟

ج. اگر چیزی که سجده بر آن صحیح است در دسترس او باشد، باید بر همان سجده کند؛ و گر نه - اگر وقت وسعت دارد - نماز را بشکند و دوباره با چیزی که می توان بر آن سجده کرد، نماز بخواند. اما اگر وقت تنگ است و نماز قضا می شود، باید به لباس خود سجده کند؛ و اگر آن هم ممکن نبود، به پشت دست سجده کند.

۲۸. نمازهای روزانه در قطب که شش ماه روز و شش ماه شب است، چگونه

خوانده می شود؟

ج. نمازها را باید مطابق افق نزدیک ترین محلی که روز و شب طبیعی دارد، بخوانند، و یا مطابق افق مناطق معتدل عمل کنند. ۲۹. فرو بردن ریزه های غذا که در بین دندان ها است، در حال نماز چه صورت دارد؟

ج. اشکال ندارد.

۳۰. اگر دستمال یا چیز نجس دیگری همراه نمازگزار باشد، چه حکمی دارد؟

ج. بودن اشیایی مانند دستمال کوچک، کلید، چاقو و پول نجس به همراه نمازگزار، در صورتی که نجاست آن به بدن و لباس سرایت نکند، اشکال ندارد.
۳۱. بعضی از کسانی که نماز را نشسته می خوانند، برای سجده مُهر را برداشته و به پیشانی می چسبانند، آیا این کار صحیح است، یا باید پیشانی روی مهر بیاید؟

ج. اگر بتوانند باید با استفاده از میز و مانند آن، محل سجده را بالا بیاورند؛ و اگر به این مقدار هم نمی توانند خم شوند، مُهر را با دست بالا آورده، پیشانی را بر آن بگذارند.

۳۲. خواهشمند است احکام نماز و روزه دانشجویان را بیان فرمایید.

ج. دانشجویانی که بین وطن و محل تحصیل تردد می کنند سه دسته اند:
دسته اول: کسانی که بین وطن و محل تحصیل به صورت مرتب در هفته یک روز یا بیشتر یا هر ده روز یکبار برای تحصیل سفر کند و ده روز در یکجا نماند (نه در وطن و نه در محل تحصیل) و این رفت و آمد به مدت سه الی چهار ماه یا بیشتر باشد، در غیر سفر اول نمازش تمام و روزه صحیح است؛ چه در محل خوابگاه و چه در محل تحصیل و چه بین راه.

دسته دوم: کسانی هستند که وضع رفت و آمدشان مرتب نیست که اغلب بین شهر خود و محل تحصیل هر هفته یا در بین هر ده روز در رفت و آمد نیستند، آنان حکم مسافر را دارند که باید در بین راه و محل تحصیل با عدم قصد اقامه ده روز یا عدم توقف سی روز بدون قصد، نماز را شکسته خوانده و روزه

نگیرند. دسته سوّم: کسانی هستند که از وطن به محل تحصیل رفته و قصد توقف ده روز در محل تحصیل دارند که در این صورت نماز تمام و روزه صحیح است و چنانچه بیشتر از ده روز در آنجا بماند تا وقتی که مسافرت نکرده باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند.

جلسه ۵: احکام خمس

۳۳. آیا به سود پولی که در بانک سپرده گذاری شده در صورتی که خمس اصل پول پرداخت شده باشد خمس تعلق می گیرد؟
ج. اگر سود بنحو مشروع باشد، هر مقدار از آن که مصرف نگردد و تا سر سال خمسی باقی بماند پرداخت خمس آن واجب است.
۳۴. برای رفتن به عمره مفرده ثبت نام کرده ام. قسمتی از پول آن را پرداخته ام و بقیه وام است، آیا لازم است خمس آن ها را بپردازم؟
ج. پولی که پرداخته اید، اگر از درآمد بین سال بوده خمس ندارد و همچنین وام مذکور خمس ندارد.

۳۵. پولی را به تدریج برای تهیه خانه پس انداز کرده ام آیا به آن خمس تعلق می گیرد؟
ج. اگر راهی برای تهیه خانه مسکونی مورد نیاز فعلی، غیر از پس انداز تدریجی ندارید، پس انداز مذکور خمس ندارد.

۳۶. اگر برای جهیزیه دختر پول یا لوازم زندگی کنار بگذاریم آیا خمس دارد؟
ج. جهیزیه برای دختری که در سنین ازدواج تهیه می شود جزء مؤونه است و خمس ندارد ولی پولی که جهت جهیزیه کنار گذاشته می شود این حکم را ندارد

بلی اگر تهیه بعضی اقلام جهیزیه بدون کنار گذاشتن پول که قهراً سال هم بر آن میگذرد و برای شخص یکجا خریدن ممکن نباشد در این صورت به پولی که جهت تهیه آن کنار گذاشته خمس تعلق نمی گیرد.

۳۷. کسی که به تقلید از مجتهد میت باقی مانده است، خمس خود را باید به چه کسی بپردازد؟

ج. لازم است خمس را به مجتهد زنده بپردازد، و پرداخت به وکیل مجتهد میت کفایت نمی کند.

جلسه ۶: خرید و فروش و اجاره

۳۸. خرید و فروش چک به مبلغ کمتر از مبلغ مندرج در چک بانکی چه صورت دارد؟ (البته چکی که مثلاً مربوط به دو ماه دیگر باشد)

ج. خود چک قابل خرید و فروش نیست. بلی، چنانچه چک صوری نباشد و حقیقتاً کسی طلبی در ذمه صاحب چک داشته می تواند آن طلب خود را به دیگری و یا به خود بدهکار به کمتر بفروشد.

۳۹. خرید و فروش اسکناس چه حکمی دارد؟

ج. در صورتی که غرض عقلایی، مثل تبدیل پول کهنه به نو یا پول ریز به درشت یا برای فرار از ربا باشد. اشکال ندارد.

۴۰. رهن خانه که فعلاً مرسوم است، یعنی چند میلیون می دهند تا صاحب

خانه مبلغی را از اجاره کم کند، آیا وجه شرعی دارد؟

ج. اگر قرض مشروط به کم شدن مال الاجاره باشد، قرض ربوی و حرام است و اگر مؤجر خانه را به مبلغی اجاره دهد و در ضمن اجاره شرط کند که فلان مبلغ را مستأجر به او قرض بدهد اشکال ندارد.

جلسه ۷: حق التألیف و رایت

۴۱. نظر معظم له را پیرامون حقوق مالکیت فکری و معنوی (حق التألیف، حق اختراع و مواردی همچون تولید بسته های نرم افزاری بیان فرمایید. ج. به طور کلی مشروعیت مالکیت معنوی که بر آن آثار خاصی مرتب می کنند و حتی در بعض موارد از دیگران سلب حق می نمایند و دیگران را از تقلید آن ممنوع می سازند در نزد اینجانب ثابت نیست.

۴۲. بعضی اوقات ناچاریم یک یا چند صفحه و گاهی یک فصل از کتابی را برای درس یا تحقیق کپی کنیم، چه صورت دارد؟
ج. کپی چند صفحه یا یک فصل از کتاب، چاپ کتاب نیست و آن حکم را ندارد، و اگر مالک آن اذن بدهد اشکال ندارد.

۴۳. شکستن قفل CD و نسخه برداری و تکثیر آن بدون اجازه از صاحب اصلی اش چه حکمی دارد؟

ج. اگر در موقع فروش، شرط نشکستن قفل و عدم کپی شده و یا مبنیاً بر آن فروخته شده باشد، شکستن قفل و کپی کردن خلاف شرط است و جایز نیست و اگر کسی این کار را کرد استفاده از آن برای شخص دوم اشکال ندارد.

جلسه ۸: نذر

۴۴. نذرهایی برای قبولی در کنکور کرده ام که انجام آن با درس خواندن برایم مشکل است؛ آیا می توانم آنها را تغییر دهم؟

ج. اگر در موقع نذر کردن، صیغه نذر را به عربی یا فارسی نخوانده باشید، چیزی بر شما واجب نیست.

۴۵. نذری کرده ام؛ ولی بین دو چیز (روزه گرفتن و صدقه دادن به فقیر) شک دارم و نمی دانم کدام یک از آن دو است؛ تکلیف چیست؟

ج. اگر صیغه نذر را خوانده اید، باید احتیاط کرده و به هر دو عمل کنید.
۴۶. کفاره نذری که عمداً بجا نیاورده و مدتی از زمان آن گذشته است، چگونه است؟

ج. کفاره آن، آزاد کردن یک بنده یا اطعام شصت فقیر و یا گرفتن دو ماه روزه است.

جلسه ۹: مسابقات و شرط بندی

۴۷. شرط بندی حلال است یا حرام؟

ج. شرط بندی در مواردی مثل مسابقات اسب دوانی و تیراندازی با شرائط مقرر جایز، و در سایر موارد جایز نیست.

۴۸. حکم برد و باخت و جوایز در بازی های ورزشی مثل فوتبال و والیبال چیست؟

ج. جوایزی که از طرف سازمان ها و مؤسسات پرداخت می شود، حلال است؛ ولی اگر جایزه از سوی بازیکنان باشد و بازی با شرط برد و باخت برگزار شود، قمار و حرام است.

۴۹. آیا بازی با شطرنج و شرکت در مسابقات شطرنج و تعلیم و تعلم و خرید و فروش آن با توجه به احادیث و روایات و ادله فقهی که در مورد آن وارد شده است جائز می باشد؟

ج. به نظر حقیر بازی شطرنج و لو بدون برد و باخت باشد و تعلیم و تعلم و خرید و فروش آن و شرکت در مسابقات به هر نحو باشد حرام است.

جلسه ۱۰: قرض و ربا

۵۰. لطفاً نظرتان را در مورد پولی که به حساب بانک گذاشته می شود و به آن سودی تعلق می گیرد بیان فرمایید؟

ج. در فرض سؤال، اگر پول خود را به بانک به عنوان وام ندهید بلکه بانک را وکیل کنید که با پول شما معامله مشروع با رعایت شرایط آن انجام دهد و بانک آن مبلغ را بعنوان منافع معاملات بدهد اشکال ندارد.

۵۱. جایزه هایی که بانک به صاحبان حساب قرض الحسنه می دهد، چه صورتی دارد؟ ج. اگر در موقع افتتاح حساب، شرط شرکت در قرعه کشی نکرده باشند، اشکال ندارد؛ هر چند انگیزه شخص از افتتاح حساب، شرکت در قرعه کشی باشد.

۵۲. در مورد وامهایی که ابتدا مبلغی را نزد بانک می گذاریم و بعد از مدتی ۲ یا ۳ برابر وام می دهند یا پس از پرداخت وام، کارمزد دریافت می کنند، چه حکمی دارد؟

ج. بطور کلی وام بشرط سود ولو بعنوان کارمزد یا بشرط گذاشتن پول برای مدتی در بانک، وام بشرط می باشد و حرام است.

جلسه ۱۱: معاشرت با اهل کتاب و فرقه های گوناگون

۵۳. معاشرت با اهل کتاب و هم غذا شدن با آنها چه حکمی دارد؟

ج. ذبائح اهل کتاب مردار و نجس است و خوردن آن جائز نیست و خودشان نیز بنا بر احتیاط واجب نجس هستند بنا بر این هر چه که در حال رطوبت با آن ملاقات نمایند بنا بر احتیاط واجب نجس می شود.

۵۴. نظر مبارک در مورد صوفیه و عقائد آنها چیست؟

ج. صوفیه با فرقه‌ها و انشعابات بسیاری که دارند اگر چه در انحراف در یک سطح نیستند و بسا برخی از آنان خارج از ربنه اسلام شمرده نشوند در مجموع منحرفند و عقائد خاصه‌ای که دارند غیر اسلامی است.

۵۵. در مورد معامله و نجاست و پاکی و اکل و شرب با بهائیان سؤال داشتم و حکم اجتناب را در مورد این مطلب می‌خواستم.

ج. فرقه بهائی‌گری دینی ندارند و ضالّ و مضلّ هستند و کافر می‌باشند و نجس هستند و با هر چه در حال رطوبت برخورد کنند نجس می‌شود و تبلیغ و ترویج آنها حرام و معامله با آنها جائز نیست؛ مؤمنین باید با شناخت کامل از عقائد حقّه شیعه اثنا عشری دفاع نموده و خودشان را از شر مکائد شیطانی و دشمنان محافظت نمایند.

جلسه ۱۲: قوانین و مقررات

۵۶. چنانچه یکی از کارکنان بانک‌ها یا مؤسسات دولتی با استفاده از اسم و عنوان و تخصص خود در ساعات غیر اداری برای کسی که مشتری بانک یا مؤسسه است کار کند و حقوق دریافت نماید در صورتی که در بانک یا مؤسسه خود به تخصص او نیاز باشد و حاضر به انجام کار اضافی نگردد آیا حقوق دوم او چه وضعی دارد حلال است یا حرام؟

ج. جائز است کارمند در غیر ساعات اداری برای دیگران کار کند، و شرعاً ملزم به قبول اضافه کار در اداره نیست.

۵۷. انجام کار شخصی در ساعات اداری، بدون محاسبه مرخصی، چه صورت دارد؟

ج. تابع مقررات و اجازه قانونی مسئول مربوط می‌باشد.

۵۸. اگر در اداره ای کار مرا راه نمی اندازند مگر با گرفتن پول آیا این پول را می شود به عنوان صدقه داد؟ و با اطمینان به پایمال شدن حق، آیا شخص می تواند با دادن رشوه به صورت های گوناگون، حق خود را بگیرد و از پایمال شدن حق خود ممانعت کند؟

ج. اگر رسیدن بحق مسلم و مشروع بدون پرداخت وجهی به کسی که اداء یا احقاق حق با اوست میسر نمی شود جایز است ولی برگیرنده پول حرام است.
۵۹. اگر برای حلوا درست کردن مثلاً ۳ کیلو آرد از نانوائی بخریم آیا اشکال دارد؟

ج. اگر آرد را دولت به نانوا فروخته و شرط کرده که آن را نان کند و به مردم بدهد بر نانوا فروختن آن جائز نیست و مردم هم نباید آرد را از نانوا بخرند.

جلسه ۱۳: حجاب و رابطه با نامحرم

۶۰. در عقدها و عروسی ها که معمولاً خانم ها با لباس های ویژه آن مراسم شرکت دارند و در اکثر مواقع نیز لباس ها، بدن نما است و فیلمبرداری صورت می گیرد تکلیف ما چیست؟ ج. اگر می دانید یا احتمال می دهید که در آینده این فیلم ها توسط افراد نامحرم مشاهده می گردد لازم است حجاب کامل خود را موقع فیلمبرداری مراعات کنید و اگر نمی توانید، از واقع شدن در مقابل دوربین فیلمبرداری خودداری نمایید.

۶۱. استفاده از کرم های چرب کننده، مرطوب کننده، ضد آفتاب و... بر روی دست و صورت، اگر به منظور محافظت از پوست بکار برده شود ولو این که خوشبو باشد و یا باعث سفید و روشن شدن پوست شوند؛ چه حکمی دارد؟

ج. اگر آرایش و زینت محسوب نشود، و بوی خوش آن موجب التذاذ و تحریک نامحرم نگردد اشکال ندارد. ولی در هر صورت بنا بر احتیاط واجب، صورت را از نامحرم بپوشاند.

۶۲. پوشیدن جوراب نازک برای خانم ها چه حکمی دارد؟

ج. چون پوشاندن روی پا در مقابل نامحرم واجب است. بنابراین، استفاده از جوراب نازک که پوست پا از زیر آن پیدا باشد در مقابل نامحرم جایز نیست.

۶۳. آیا پوشیدن لباس تنگ و کوتاه برای خانم ها جایز است؟

ج. لباس خانم ها در مقابل نامحرم، باید اولاً بدن را بپوشاند و ثانیاً بنحوی نباشد که موجب تحریک نامحرم گردد، و برجستگی های بدن در آن ظاهر باشد.

جلسه ۱۴: لباس و زینت

۶۴. آیا پوشیدن لباس آستین کوتاه برای آقایان جایز است؟

ج. چنانچه مرد بداند زنان با قصد لذت به دست او نگاه می کنند، احتیاط واجب پوشاندن آن است.

۶۵. تراشیدن ریش با تیغ چه حکمی دارد؟

ج. تراشیدن ریش با تیغ و کوتاه کردن آن، اگر مثل تراشیدن باشد، حرام است. البته لازم نیست ریش بلند گذاشته شود؛ بلکه به مقداری که صدق ریش کند کافی است.

۶۶. آیا زن می تواند ناخن خود را بلند کند؟

ج. گذاشتن ناخن بلند برای زن مسلمان کار مناسبی نیست و پوشاندنش از نامحرم بنا بر احتیاط واجب لازم است؛ چه بلند باشد چه کوتاه.

۶۷. حکم استفاده بوی خوش برای خانم ها چیست؟

ج. اشکال ندارد و لکن در موقع خروج از منزل اگر معطر بودن موجب توجه اجنبی شود از عطر زدن خودداری شود.

۶۸. خانم من در مجالس خانم ها دوست دارد با لباس نیمه لخت حضور یابد، آیا این کار اشکال دارد؟

ج. اگر پوشیدن چنین لباسی در مجالس زنانه معمول باشد و موجب ترویج بدحجابی و فساد اخلاق ولو تدریجاً نباشد مانع ندارد.

۶۹. حکم طلای سفید برای مردان چگونه است؟

ج. طلای زرد، اگر مخلوط نقره داشته باشد که در اصطلاح برخی طلای سفید نامیده می شود، برای مرد جایز نیست؛ اما پلاتین که فلز دیگری غیر از طلا است، برای مردان اشکال ندارد.

جلسه ۱۵: نگاه کردن

۷۰. نگاه به وجه و کفین زن نامحرم بدون شهوت چه صورت دارد، انداختن عکس زن نامحرم چه صورت دارد؟

ج. نگاه به وجه و کفین اگر با قصد لذت باشد حرام است و نظر بدون لذت را هم بنابر احتیاط واجب باید ترک کند و انداختن عکس هم اگر مستلزم نظر نباشد اشکال ندارد و الا حکمش همان است که گفته شد.

۷۱. دانش آموزان و دانشجویان دختری که در کلاس درس آقایان شرکت می کنند وظیفه آنها نسبت به نگاه کردن، سؤال و جواب و دیگر برخوردهای بین شاگرد و استاد چیست؟

ج. نگاه عمدی با التذاذ و ربیه حرام و بدون آن نیز بنابر احتیاط واجب ترک شود و اما صحبت کردن در صورتی که التذاذ و ربیه در بین نباشد اشکال ندارد و الا جایز نیست.

۷۲. نگاه کردن به عکس بانوانی که آنان را می شناسیم و حجاب اسلامی ندارند بدون قصد و لذت چه صورتی دارد؟

ج. اشکال دارد.

۷۳. نگاه کردن به عکس برهنه زنان مسلمان ناشناس بدون قصد لذت چه حکمی دارد؟

ج. چون معرضیت برای فساد دارد جایز نیست.

۷۴. نگاه کردن به عکس برهنه زنان اهل کتاب و مشرکین بدون لذت و شهوت و بدون آنکه مقدمه گناه شود چه حکمی دارد؟

ج. چون معرضیت برای فساد دارد جایز نیست.

جلسه ۱۶: پزشکی

۷۵. آیا بستن لوله برای خانم ها اشکال دارد یا نه؟

ج. عقیم کردن زن و یامرد جائز نیست ولی جلوگیری موقت از انعقاد نطفه اشکال ندارد.

۷۶. در هفته های اول حاملگی که هنوز خلقت جنین کامل نشده است، سقط جنین چه صورتی دارد؟

ج. پس از انعقاد نطفه، سقط جنین حرام است و موجب دیه می گردد و دیه آن بر حسب مراحل خلقت جنین از بیست تا هزار دینار طلا است. [دینار معادل ۱۸ نخود طلای مسکوک است ۷۷. آیا تغییر جنسیت شرعاً ایراد دارد؟ ازدواج با کسی که تغییر جنسیت داده چه حکمی دارد؟

ج. کسی که جنسیتش محرز است، تغییر جنسیت برای او جایز نیست و اگر با عدم جواز، کسی این کار را با این که تحقق آن بعید است انجام دهد و حقیقتاً جنسیت او؛ چه در اعضاء ظاهری بدن و چه اعضاء باطنی تغییر کند به طوری

که واقعاً مرد، زن شود و با زنان دیگر فرق نداشته باشد و یا بالعکس، در این صورت حکم روابط بر اساس جنسیت جدید است.

۷۸. اگر دکتری به قسمتی از بدن زن بیمار که مربوط به محدوده علم خودش نباشد دست بزند و از روی هوا و هوس این کار را بکند چه حکمی دارد و شخص بیمار با توجه به این که همه چیز را مراعات می کند و با حجاب می باشد باید چکار کند؟

ج. جایز نیست و حرام می باشد. به طور کلی مراجعه مرد به طیب زن و بالعکس در صورت وجود مماثل و در غیر ضرورت اشکال دارد مگر اینکه هیچگونه گناهی از قبیل لمس و نظر و غیر اینها در بین نباشد.

جلسه ۱۷: تصرف در مال دیگری

۷۹. در دوران کودکی پولی از کسی برداشته ام و نمی توانم مستقیماً مطلب را به او بگویم، بنظر شما چگونه عمل کنم؟ آیا می توانم صدقه دهم؟

ج. باید به طریقی، پول را به صاحبش برسانید و لازم نیست بگویید بابت چه چیز است؛ مثلاً می توانید به او بگویید این پول را سابقاً از من طلب داشته ای؛ و یا به حساب بانکی او واریز کنید؛ و یا به وسیله شخص دیگری پول را به دست او برسانید؛ و در هر حال صدقه دادن کفایت نمی کند.

۸۰. کفش من در مسجد گم شد، کفش دیگری بجای آن برداشتم. کار من چه حکمی دارد و الآن چه باید کنم؟

ج. اگر بدانید کفشی که برداشته اید مال کسی است که کفش شما را برده، می توانید بجای کفش خود بردارید؛ ولی اگر قیمت آن از کفش خودتان بیش تر باشد، باید هر وقت صاحب آن پیدا شد زیادی قیمت را به او بدهید؛ و چنانچه

از پیدا شدن او ناامید شوید، باید با اجازه حاکم شرع (مجتهد جامع الشرائط) زیادی قیمت را از طرف صاحبش صدقه بدهید. اما اگر احتمال می دهید کفشی که برداشته اید مال کسی که کفش شما را برده نیست، باید صاحب آن را پیدا کنید و چنان که مأیوس شدید، آن را از طرف صاحبش به فقیر غیر سید صدقه بدهید.

۸۱. اگر شاخه درخت کسی در باغ همسایه برود آیا همسایه می تواند میوه این شاخه را تصرف کند؟
ج. در فرض سؤال، جواز تصرف همسایه در میوه درخت یا شاخه او منوط به اجازه صاحب درخت است.

جلسه ۱۸: تلویزیون و ماهواره

۸۲. حکم نشان دادن ورزشی بانوان در صدا و سیما را بیان فرمایید؟
ج. به لحاظ مفاسد مترتبه بر آن جایز نیست.
۸۳. حکم اختلاط زنان و مردان هنرمند؛ در سریال، فیلم، اجرای اخبار و یا مصاحبه، را بیان فرمایید؟
ج. از جمله آداب و رسوم متشرعه جدایی مرد اجنبی از زن اجنبیه و عدم اختلاطشان با یکدیگر است که از روش اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و بیاناتشان در این خصوص تلقی شده است و آنچه امروز متداول شده که مرد و زن اجنبی در کنار یکدیگر قرار می گیرند پشتوانه شرعی ندارد بلکه مدارک شرعی برخلاف آن است.

۸۴. نشان دادن چهره کامل پیامبر صلی الله علیه وآله و حضرت زهرا علیها السلام و سایر ائمه علیهم السلام چه حکمی دارد؟

ج. نشان دادن چهره حضرت زهرا علیها السلام اهانت به آن حضرت است و باید ترک شود و نشان دادن چهره حضرت رسول اکرم و ائمه طاهرين صلوات الله عليهم اجمعين چون حاکی از چهره واقعی آن بزرگواران نیست و به اختلاف کسانی که خود را شبیه ایشان می نمایند چهره های گوناگون که بسا برخی از آنها نامناسب است ارائه می شود و اشخاصی که در نقش شبیه آنها عمل می کنند گاه در بین مردم اعتبار اخلاقی ندارند و حتی ممکن است اشخاصی باشند که سوابق خوبی در جامعه ندارند و خلاصه به جهات متعدد که در اینجا مجال شرح آن نیست موجب اهانت و تحریف بعضی حقایق می شود لذا مورد تجویز نیست.

۸۵. حکم استفاده از ماهواره در غیر موارد حرام چیست؟

ج. نظر به اینکه بسیاری از شبکه های ماهواره ای که پخش می شود موجب سوق دادن مردم به شهوات و انحراف و فساد اخلاق می باشند، خرید و فروش و استفاده از آن جائز نیست مگر اینکه انسان کاملاً مطمئن باشد که استفاده غیر مشروع نمی کند. در هر حال بسیار باید مراقب باشید.

۸۶. در مورد آهنگ هایی که از تلویزیون و رادیو و پخش می شود و

همچنین فیلم های خارجی که زنان با سرهای باز و لباس های ناجور بازی می کنند آیا تماشای این فیلم ها اشکال دارد یا خیر؟ و همچنین سرودهایی که از تلویزیون و رادیو پخش می گردد؟

ج. چون آهنگ های مورد سؤال نوعاً لهو محسوب می شود حرام است و همچنین نظر به فیلم های مبتذل جایز نیست و سرودها اگر به الحان غنا خوانده شود نیز حرام است.

جلسه ۱۹: ازدواج

۸۷. آیا اذن پدر در ازدواج (موقت یا دائم) دختری که رشیده است و صلاح و فساد خود را درک می کند شرط است؟

ج. بنظر اینجانب بنا بر احتیاط لازم اذن پدر یا جد پدری دختر باکره در صحت نکاح او شرط است و رشیده بودن مجوز عدم اذن نیست ولی چون بنظر حقیر بنا بر احتیاط است رجوع به غیر که این شرط را معتبر نداند جایز است با رعایت الاعملم فالاعلم.

۸۸. برادرم دختری از پرورشگاه آورده است چگونه این دختر به من و برادران دیگرم محرم می شود؟

ج. اگر مادر یا خواهر شما یا زن یکی از برادران شما شیر داشته باشد، و سن دختر کم تر از دو سال باشد، می توانند از طریق رضاع (شیرخوارگی) او را به شما و سایر برادرانتان محرم سازند. شرایط رضاع را در توضیح المسائل ملاحظه فرمایید.

۸۹. برخی از خانواده های دختران در مراسم خواستگاری داشتن ماشین و منزل وسیع و مهریه بالا را نشان سعادت زن می دانند و حتی آن را موقوف به حدیثی می نمایند که «از سعادت زن مهریه بالای اوست» با این توجیه بسیاری از ازدواج بر هم می خورد و شرایط ازدواج بسیار سخت شده و آمار آن کاهش می یابد. نظر اسلام در این باره چیست؟

ج. امور مذکور هیچ یک موجب سعادت زن نیست و مستحب است مهریه زن بیشتر از مهر السنه نباشد و دخترانی که با مهریه کم و شرایط آسان ازدواج کرده و می کنند سعادت مندند. در کتاب وسائل الشیعه که از کتب معتبره است نقل

شده است «إن من بركة المرأة قلة مهرها و من شؤمها كثرة مهرها» و نیز عن رسول الله صلى الله عليه و آله «افضل نساء امتی اصبحهن وجهاً و اقلهن مهراً».

جلسه ۲۰: موسیقی

۹۰. نظر حضرتعالی در مورد موسیقی و حدود گوش دادن به آن، چیست؟
ج. به نظر اینجانب تمام آهنگ هایی که از آلات طرب می باشد حرام است و هیچ نوعی جایز نیست.

۹۱. چنانچه کسی به ناچار در محیطی باشد که نوار مبتذل پخش می شود و چاره ای ندارد تکلیفش چیست؟

ج. استماع و گوش دادن حرام است، ولی به گوش رسیدن آن حرام نیست. بنا بر این، در صورت اضطرار، توقف در آن محیط مانعی ندارد، به موسیقی گوش ندهد؛ هر چند به گوش او برسد.

۹۲. استفاده از آلات لهو و موسیقی، در مراسم عزاداری، چه حکمی دارد؟
ج. استفاده از آلات مذکور جایز نیست و تفاوتی بین مراسم عزاداری و جشن وجود ندارد.

جلسه ۲۱: مراسم و مجالس مذهبی

۹۳. آیا دست زدن در مجالس مولودی ائمه اطهار علیهم السلام جایز است و همچنین اگر در هنگام دست زدن، بدن و شانه ها باریتم شعر تکان بخورد، چه حکمی دارد؟

ج. لهو است و اشکال دارد و مخصوصاً اشکالش در صورت دوّم بیشتر است و مشابه مجالس رقص و سماع بعضی فرق باطله است و علاوه با احترام و قداست این مجالس عزیز مناسب نیست و معلوم نیست این چه گرایشی است

که بعضی به امور لهویه و ملامتی پیدا کرده اند و چه شیطنی پشت ترویج این حرکات است.

۹۴. پوشیدن لباس سیاه رنگ در عزاداری ایام محرم و صفر چگونه است (آیا کراهت دارد؟)

ج. بعنوان عزا و اظهار حزن در مصیبت اهل بیت علیهم السلام مستحب است. ۹۵. اگر فردی طوری سینه یا زنجیر بزند که بدنش کبود یا قرمز بشود آیا باید کفاره بدهد؟

ج. اگر ضرر معتد به برای بدن نداشته باشد در عزای حضرت سید الشهداء علیه السلام مانعی ندارد.

۹۶. نظر مبارک راجع به طبل و سنج جهت هماهنگ نمودن سینه و زنجیر زدن در عزاداری ماه محرم چیست؟

ج. مراسم عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام که به صورت مجالس روضه و سخنرانی و حرکت هیئتهای عزا برگزار می شود از شعائر بزرگ مذهب و موجب احیاء آثار اهل بیت علیهم السلام و از علائم شعور دینی و تبلور احساسات مذهبی است باید مظاهر آن مظاهر ایمانی بوده و هر چه از آرایش استعمال این وسائل و آلات منزّه تر باشد و ساده و بی پیرایه تر برگزار شود شکوه معنوی آن برتر و جلوه های آموزنده آن بیشتر می شود این پیرایه ها و آرایش ها خصوصاً استفاده از آلات لهو که شرعاً ممنوع است از حال عزا و سوگواری و توجه به مفاهیم بلند و آموزنده این مراسم مانع می شود امید است در برگزاری این شعائر همگان موفق و مشمول عنایات خاصه حضرت بقیه الله ارواح العالمین له الفدا باشند.

۹۷. عکس هایی که از پیامبر صلی الله علیه وآله و امام حسین علیهما السلام و حضرت ابوالفضل علیهما السلام موجود می باشد می گویند اثر یک یهودی است، آیا صحت دارد؟

ج. صورت هایی که به پیامبر اکرم و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین نسبت داده می شود خیالی و سلیقه ای می باشد و بهتر این است که دوستداران اهل بیت علیهم السلام احادیث و سخنان آن بزرگواران را با خط زیبا نوشته و در مساجد و منازل و بناهای دیگر نصب نمایند. و بهترین عمل در عزاداری، بیان مصائب آن بزرگواران علیهم السلام بر طبق مدارک معتبره می باشد.

جلسه ۲۲: ورزش

۹۸. بفرمایید برای ورزشکار مسلمان و متعهد چگونه لباسی مناسب است؟

ج. مناسب با ادب و شرف و حیا و وقار مسلمان در لباس ورزشی این است که بطوری که معمول شده کوتاه نباشد و علاوه بر قسمت های بالای بدن بین ناف و زانو را هم بپوشاند. (ما بین السرة و الركبة عورة)

۹۹. حکم مسابقه بوکس و شمشیر بازی چون غالباً به زخمی شدن و صدمه زدن به طرف منجر می شود چیست؟

ج. بکس جایز نیست و در صورت سیاه شدن و یا کبود و یا سرخ شدن و یا مجروح شدن عضو، دیه دارد که در توضیح المسائل مقدار هر یک ذکر شده است و شمشیر بازی اگر موجب صدمات بدنی باشد همین حکم را دارد.

۱۰۰. در بعضی مسابقات، تماشاگران بر روی برد و باخت بازیکنان شرط

بندی می کنند این عمل چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست.

۱۰۱. میزان آزادی دختر خانم ها از نظر فعالیت های ورزشی چگونه است؟
آیا اینکه دختر خانم ها بخواهند مانند کشورهای خارجی در
. همه زمین های ورزشی شرکت کنند آیا درست است یا نه؟ چرا؟
ج. حضور بانوان محترمه در زمین های ورزشی چه برای تماشا و چه برای
ورزش به جهت تبعات سوء و مفاسدی که دارد جایز نیست.

جلسه ۲۳: امر بمعروف و نهی از منکر

۱۰۲ می خواهم جويا شوم که اگر سوار ماشینی شده و راننده ماشین نوار
ترانه گذاشته باشد حکم در اینجا چیست؟
ج. چنانچه نهی از منکر تأثیر نداشته باشد و یا اینکه پیاده شدن شما حرجی
باشد، در مواقع مذکور گوش به موسیقی ندهید انشاءالله موفق باشید. ۱۰۳.
شرکت نکردن در مجالس عروسی که نوعاً همراه با لهو و لعب است باعث
دشمنی بین اقوام فامیل می شود، وظیفه چیست؟

ج. حضور در چنین مجالسی چون مجلس معصیت است، جائز نیست. لازم
بذکر است که شخص مسلمان نباید در چنین مجالسی شرکت کند و باید علت
آن را بگوید و چنانچه حاضر نشدن وی در مجالس معصیت سبب قطع رحم
شود، اشکال ندارد چرا که در حقیقت، علت قطع رحم آنان می باشند.

جلسه ۲۴: صله رحم

۱۰۴. چه موقع قطع رحم جایز است؟
ج. صله رحم حتی با خویشاوندان فاسق واجب است و لازم است در ارشاد
آنان تلاش شود. بلی چنانچه سختی و مشقتی در بین باشد، صله رحم وجوب
ندارد؛ ولی باید توجه داشت که لازم نیست این عمل با رفتن به منزل ارحام و

مهمانی کردن و مهمان شدن و... انجام گیرد. همین اندازه که قطع رحم نشود کافی است و این کار با پیغام فرستادن یا تماس تلفنی یا نوشتن نامه یا سلام کردن هم محقق می شود.

۱۰۵. وقتی فرد ببیند برادرش به وظایف دینی نماز، خمس و... [عمل نمی کند و به تذکر هم گوش نمی دهد، می تواند رفت و آمد نداشته باشد و صله رحم را به احوال پرسی تلفنی و مانند آن محدود کند؟

ج. صله رحم به نحو مذکور در سؤال کفایت می کند؛ هر چند در صورت احتمال تأثیر، بهتر است رفت و آمد را قطع نکند. بلی، اگر قطع رابطه در توجه او به وظایف شرعی مؤثر باشد، از باب نهی از منکر لازم است.

۱۰۶. اگر پدر و مادر، با بستگان خود قطع رابطه کنند، تکلیف فرزندان

چیست؟

ج. فرزندان به وظیفه خود عمل نمایند؛ مگر آن که رفتن آنها موجب آزار والدین باشد که در این صورت، می توانند با نامه یا تماس تلفنی، صله رحم نمایند.

جلسه ۲۵: استخاره

۱۰۷. استخاره در چه مواردی است و آیا عمل به آن واجب است یا خیر؟

ج. مورد استخاره جایی است که در انجام کاری، شخص، تحقیق خود را انجام داده ولی به نتیجه نرسیده و مردد باقی مانده است، که می تواند استخاره کند. عمل به استخاره واجب نیست لکن اگر استخاره بد آمد، بهتر است با آن مخالفت نشود.

۱۰۸. آیا استخاره با قرآن یا تسبیح وجه شرعی دارد؟ و در چه مواردی باید

استخاره کرد؟

ج. بنحوی که مرحوم محدث قمی در حاشیه مفاتیح الجنان نقل فرموده اند اشکال ندارد.

۱۰۹. آیا استخاره کردن در مورد ازدواج صحیح است؟

ج. اگر تحقیق کاملی نسبت به اخلاق و دیانت فرد نموده اید و مطمئن هستید نیاز به استخاره نیست.

جلسه ۲۶: خرافات

۱۱۰. امروزه مشاهده می گردد وقتی گوسفندی و یا حیوانی را قربانی می کنند از خون نجس آن حیوان به ماشین و یا درب منزل خود جهت اینکه چشم نخورد می زنند و یا اینکه در روز تاسوعا و یا عاشورا از خون حیوان ذبح شده به پیشانی افراد عزادار می زنند این کارها چه حکمی دارد؟

ج. چنین عملی مستند شرعی ندارد. ۱۱۱. آیا ترویج و انجام مراسم خرافی و بدون مبنای علمی و عقلی و دینی نظیر چهارشنبه سوری و سیزده بدر و تبلیغ افکار و اوهام پیوسیده قرون جاهلیت مجاز است؟

ج. اگر بقصد ترویج آداب مرده و غیر اسلامی و جبهه گیری در مقابل هویت اسلامی باشد حرام است.

۱۱۲. نظر شما در مورد عطسه کردن چیست؟ آیا باید صبر نمود؟ به چه مقدار؟

ج. در مورد سؤال صبرکردن لازم نیست.

۱۱۳. گرفتن فال حافظ و اعتقاد به صحّت آن آیا وجه شرعی دارد؟

ج. اعتقاد به صحّت آن وجه شرعی ندارد.

۱۱۴. نظر جنابعالی در مورد چهارشنبه سوری چیست؟ اگر بیشتر مردم

دوست داشته باشند و عرفاً اشکالی نداشته باشد- در این جا چطور است؟

ج. از مراسم بعضی از ایرانیان قدیم است و چون تشبیه به آتش پرستان است مذموم است و برای شخص مسلمان عمل لغوی است و سزاوار است آن را ترک کند هر چند دوست داشته باشد.

جلسه ۲۷: دروغ

۱۱۵. آیا می شود برای مزاح و شوخی، دروغ گفت؟

ج. اگر شنونده می داند که گوینده شوخی می کند حرام نیست ولی اگر طرف مطلب را جدی تلقی می کند جایز نیست. مع ذلک در روایت است که (لا یجد المؤمن طعم الايمان حتى یترک الکذب جدّه و هزله)

۱۱۶. دروغ مصلحتی چه حکمی دارد؟

ج. دروغ مصلحتی به معنایی که نزد مردم رایج است و در واقع دروغ منفعتی است، حرام است. موارد جواز دروغ در اسلام مشخص است؛ از جمله آن ها وجود مصلحت اهم، مثل حفظ جان مؤمن یا رفع نزاع بین دو مسلمان می باشد.

۱۱۷. توریه چیست؟ آیا توریه مطلقاً جایز است یا توریه ای که مانع مفسده ای شود فقط جایز است توریه ای که بدون مفسده و بدون مصلحت و یا توریه ای که مفسده دار باشد حرام است؟

ج. توریه آن است که انسان از جمله ای معنائی را قصد کند که در واقع صحیح است ولی شنونده به ملاحظه ظاهر و متفاهم عرفی جمله، چیز دیگری بفهمد مثلاً کسی دقّ الباب می کند و از شخصی که درب را باز می کند سؤال می کند فلانی در منزل است و آن شخص که نمی خواهد بگوید بلی در منزل است جواب می دهد خیر اینجا نیست و قصد می کند که در اینجایی که من ایستاده ام نیست و سؤال کننده چنین می فهمد که در منزل نیست و توریه مفسده دار جایز نیست.

جلسه ۲۸: غیبت

۱۱۸. غیبت کردن در مسائلی که اگر درباره آن صحبت نشود؛ حل نمی شود، چگونه است؛ مثلاً درباره استادی که خوب درس نمی دهد؟
ج. بیان نقاط ضعف استادان نزد مسؤولان به عنوان گزارش اشکال ندارد. و بطور کلی در مواردی که مصلحت غیبت، اهم از مفسده آن باشد غیبت حرام نیست.

۱۱۹ اگر در اتوبوس نشسته باشیم و دو نفر مشغول غیبت باشند و ما بشنویم، آیا گناهی مرتکب شده ایم؟
ج. چنانچه به غیبت گوش ندهید و بدون اختیار صدای آن ها به گوش شما برسد، اشکال ندارد.

۱۲۰. تقلید کردن از کارهای دیگران اعم از اعمال و رفتار دیگران و صدا چه حکمی دارد؟ ج. اگر راضی نباشد جایز نیست.

۱۲۱. اگر کسی بگوید مثلاً مردم فلان شهر آدم های بدی هستند یا کسبه فلان شهر مردم را اذیت می کنند آیا جایز است یا نه؟ اگر منظورش از این قول بعض مردم آن شهر باشد چه؟

ج. اگر تعبیر مذکور، ظهور داشته باشد در اینکه همه اهل آن شهر چنین هستند یا توهین به اهل آن شهر باشد محل اشکال است.

جلسه ۲۹: وظیفه معلّم و دانش آموز

۱۲۲. تقلب چه حکمی دارد؟

ج. تقلب نوعی خیانت است و جایز نیست؛ و خیانت در مسائل علمی، از سایر موارد، زشت تر است و در شأن مسلمان نیست.

۱۲۳. در بعضی از مدارس از معلمین می خواهند (نظر به اینکه این مدارس پولی است نه مجانی) که حتماً دانش آموز را نمره قبولی بدهند و رد نکنند، آیا جایز است برای او نمره قبولی بدهد و ایضاً دانش آموز هدیه می آورد و البته انتظار دارد آیا قبول هدیه اش جایز است؟
ج. در فرض سؤال اگر دانش آموز استحقاق آن نمره را با توجه به رتبه تحصیلیش نداشته باشد نمره قبولی دادن محل اشکال است و همچنین اگر دادن هدیه در دادن نمره قبولی مؤثر باشد بطوری که اگر آن هدیه داده نمی شد معلم نمره قبولی را بر حسب رتبه تحصیلی نمی داد گرفتن آن جایز نیست.

جلسه ۳۰: خوردنی ها و آشامیدنی ها

۱۲۴. از غذاهایی که غیر مسلمان - کتابی یا غیرکتابی - درست می کند اعم از برنج و غیر برنج و گوشت و غیر گوشت جایز است که از آنها بخوریم یا خیر؟

ج. اگر غذا با دست و یا عضو دیگر غیر مسلمان ملاقات کرده باشد خوردن آن جایز نیست و همچنین اگر با گوشت غیر مذکی درست شده باشد.

۱۲۵. بین گروهی مردم بخصوص افرادی که در زمینه شکار حیوانات دخالتی دارند شایع است که گوشت خرگوش و نوعی جوجه تیغی که علفخوار است و جثه بزرگی دارد و گویا شکنجه هم دارد مکروه است و می توان گوشت این جانوران را خورد. تقاضا می نمایم حکم شرعی این مسأله را بیان بفرمایید.
ج. گوشت خرگوش و جوجه تیغی هر نوع که باشند حرام است.

۱۲۶. آیا فروش گوشت کوسه ماهی جایز است و حلال می باشد یا خیر؟
ج. کوسه حرام گوشت است و اگر گوشت آن منافع محلله ای داشته باشد فروش آن بمنظور صرف در آن منافع اشکال ندارد.

۱۲۷. خوردن نوشابه های خارجی از نظر شرعی چه حکمی دارند آیا شرعاً

حرام است یا حلال؟

ج. اگر یقین به نجاست آنها نداشته باشید مانعی ندارد البته سزاوار است که مسلمین از محصولات کفار که ضرورتی در مصرف آن ندارند اجتناب نمایند. ۱۲۸. آیا استفاده کشمش در داخل غذا که در بعضی موارد باید آن را سرخ یا در بعضی مواقع در داخل غذاهای دیگر در آب جوش قرار می گیرد جایز است؟

ج. کشمش، با جوش آمدن و سرخ کردن نجس نمی شود و خوردن آن نیز اشکال ندارد.

احادیثِ رمضانیه [۶]

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ: يَا جَابِرُ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ مَنْ صَامَ نَهَارَهُ، وَقَامَ وَرَدًا مِنْ لَيْلِهِ وَعَفَّ بَطْنَهُ وَفَرَجَهُ وَكَفَّ لِسَانَهُ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَخُرُوجِهِ مِنْ الشَّهْرِ. فَقَالَ جَابِرٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَحْسَنَ هَذَا الْحَدِيثِ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: وَسَلَّمَ: يَا جَابِرُ وَمَا أَشَدَّ هَذِهِ الشُّرُوطُ؛ [۷]

حضرت رسول ﷺ به جابر بن عبدالله انصاری فرمودند: ای جابر. این ماه رمضان است؛ هر کسی روزه بگیرد و مقداری از شب آن را به عبادت مشغول شود و شکم و شهوت و زبانش را نگهدارد، خارج می شود از گناهان همچنان که ماه تمام می شود. پس جابر سؤال کرد: ای رسول خدا. چه گفتار زیبایی است! رسول خدا ﷺ فرمودند: ای جابر. و این شرایط، بسیار سخت است.

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرُ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ صِيَامَهُ فَمَنْ صَامَهُ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ؛ [۸]

ماه رمضان ماهی است که خداوند روزه آن را واجب کرده بر شما. هر کس از روی ایمان و فرمانبری روزه بگیرد گناهانش بخشیده می شود مانند روزی که از مادرش متولد شده است.

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: صُومُوا تَصِحُّوا؛ [۹]

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: روزه بگیرید تا سالم باشید.

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الصَّوْمُ جُنَّةٌ؛ [۱۰]

روزه سپری است در برابر آتش جهنم.

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: هُوَ شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَاةِ اللَّهِ وَجَعَلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ

كِرَامَةِ اللَّهِ؛ [۱۱]

ماه مبارک رمضان ماهی است که در آن به میهمانی الهی دعوت شده اید و مورد اکرام خداوند هستید.

قال الصادق عليه السلام: مَنْ افطَرَ يوماً مِنْ شَهْرِ رَمَضانَ خَرَجَ رُوحَ الايمانِ مِنْه؛^[۲۲]
کسی که روزی از ماه رمضان را (بدون عذر) افطار کند، روح ایمان از او بیرون خواهد رفت.

قال اميرالمؤمنين عليه السلام: وَالصَّيَّامُ ابْتِلاءٌ لِاخْلاصِ الخَلْقِ؛^[۲۳]

روزه امتحانی است برای خلوص بندگان.

قال الباقر عليه السلام: بنى الاسلامُ على خَمسةِ اشياءَ، على الصَّلَاةِ، وَ الزَّكَاةِ، وَ الْحَجِّ، وَ الصَّوْمِ، وَ الْوَلَايَةِ؛^[۲۴]

اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت.

در حدیث است که «حمزة بن محمد» به حضرت امام حسن عسکری عليه السلام نوشت: چرا خدا روزه را واجب فرمود؟ پاسخ رسید:

لِيَجِدَ الْغَنَى مَضُوعَ الْجُوعِ فَيَحْنُو عَلَى الْفَقِيرِ؛^[۲۵]

برای اینکه ثروتمند احساس کند شدت گرسنگی را تا بر فقرا رحم کند.

قال الصادق عليه السلام: أَمَّا فَرَضَ اللهُ الصَّيَّامَ لِيَسْتَوِيَ بِهِ الْغَنَى وَالْفَقِيرُ؛^[۲۶] خداوند روزه را واجب گردانید تا به وسیله آن غنی و فقیر مساوی گردند.

قال الصادق عليه السلام: الصَّوْمُ لِي وَ اَنَا اجزى عَلَيْهِ؛^[۲۷]

خداوند می فرماید: روزه برای من است و پاداش آن بر من واجب است.

قال رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

اِذَا صُمْتَ فَلْيَصُمْ سَمْعُكَ وَبَصْرُكَ وَشَعْرُكَ وَعَدَدَ اشْيَاءَ غَيْرَ هَذَا؛^[۲۸]

وقتی روزه می گیری باید گوش تو و چشم تو و موی تو روزه بگیرد. و

چیزهای دیگر را شمرد.

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لا يَكُونَنَّ يَوْمٌ صَوْمِكَ كَيَوْمِ فَطْرِكَ؛ [١٩]

البته روز تو مثل روزی که روزه نیستی، نباشد.

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ما مِنْ عَبْدٍ صَائِمٍ يَشْتِمُ فَيَقُولُ: اِنِّي صَائِمٌ سَلَامٌ عَلَيْكَ لَأَشْتِمُكَ كَمَا تَشْتِمُنِي اِلَّا قَالَ الرَّبُّ تَعَالَى:

استجارَ عَبْدِي بِالصَّوْمِ مِنْ شَرِّ عَبْدِي قَدْ اجْرَتْهُ النَّارُ؛ [٢٠]

بنده روزه داری نیست که به او دشنام داده شود و او به دشنام دهنده بگوید: من روزه هستم. سلام بر تو! من دشنام نمی دهم؛ چنان چه تو دشنام می دهی؛ مگر این که پروردگار تعالی می فرماید: بنده من به وسیله روزه از شر بنده (به من) پناه جست. من به تحقیق او را از (شر) آتش پناه دادم.

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الشَّقِيُّ مَنْ حَرَّمَ غُفْرَانَ اللَّهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ؛ [٢١]

بدبخت کسی است که از آمرزش خدا در این ماه بزرگ محروم بماند و نتواند خود را عوض کند و گناه و معصیت را کنار بگذارد.

قال امير المؤمنين ع: اِنَّمَا هُوَ عِيدٌ لِمَنْ قَبَلَ اللَّهُ مِنْهُ صِيَامَهُ، وَشَكَرَ قِيَامَهُ، وَكَلَّ

يَوْمٌ لَا يَعْصِي اللَّهُ فِيهِ فَهُوَ عِيدٌ؛ [٢٢]

امروز، عید است برای کسی که روزه اش مقبول، و سعی و کوشش مشکور، و گناهِش مغفور شده باشد.

قال امير المؤمنين ع: اَلْيَوْمُ لَنَا عِيدٌ، وَغَدَا لَنَا عِيدٌ، وَكُلُّ يَوْمٍ لَا تَعْصِي اللَّهُ فِيهِ

فَهُوَ لَنَا عِيدٌ؛ [٢٣]

امروز برای ما عید است و فردا هم برای ما عید است و هر روزی را که در آن معصیت خدا نکنیم آن روز برای ما عید است.

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: اِذَا كَانَ يَوْمُ عِيدِ الْفِطْرِ وَقَفَتِ الْمَلَائِكَةُ عَلَى ابْوَابِ الطَّرِيقِ

فَنَادُوا: اِغْدُوا يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ اِلَى رَبِّكُمْ بِمَنْ بِالْخَيْرِ ثُمَّ يَثِيبُ عَلَيْهِ الْجَزِيلَ

لقد امرتم بقيام الليل فقمتم، و امرتم بصيام النهار فصمتتم، و اطعتم ربكم فاقبضوا جوائزكم فاذا صلّوا نادى مناد: الا ان ربكم قد غفر لكم فارجعوا راشدين الى رحالكم فهو يوم الجائزة، و يسمى ذلك اليوم فى السماء يوم الجائزة؛^[۲۴]

روز عيد فطر، فرشتگان بر در هر راهی می ایستند و ندا می دهند: ای مسلمانان. صبح خود را با آرزوی خیر از خداوند بخشنده آغاز کنید تا ثواب بزرگی از طرف خدا به شما برسد. همانا به شب زنده داری امر شدید، انجام دادید و نیز به روزه داری مأمور شدید فرمان بردید، و پروردگارتان را اطاعت کردید، پس جوازتان را دریافت کنید. هنگامی که نماز عید خوانده می شود منادی ندا می دهد: آگاه باشید که پروردگارتان شما را آمرزید، برگردید به منازلتان در حالی که هدایت شده هستید. امروز روز جئزه و در آسمان هم به همین اسم نامیده شده است. خطب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب عليه السلام للناس يوم الفطر فقال: يا ايها الناس ان يومكم هذا يوم يثاب فيه المحسنون، و يخسر فيه المسيئون و هو اشبه يوم بيوم قيامتكم فاذكروا بخروجكم من منازلكم الى مصلاكم خروجكم من الاجداث الى ربكم، و اذكروا بوقوفكم فى مصلاكم ووقوفكم بين يدي ربكم و اذكروا برجوعكم الى منازلكم (رجوعكم الى منازلكم) فى الجنة او النار. و اعلموا عباد الله ان ادنى ما للصائمين و الصائمات ان يناديهم ملك فى آخر يوم من شهر رمضان: ابشروا عباد الله فقد غفر لكم ما سلف من ذنوبكم فانظروا كيف تكونون فيما تستأنفون^[۲۵]؛

امیرالمؤمنین عليه السلام در روز عید فطری خطبه خواند و فرمود: ای مردم این روز شما روزی است که در آن نیکوکاران ثواب داده می شوند، و بدکاران زیانکار می گردند، و شبیه ترین روز است به روز قیامت شما. پس یاد کنید به بیرون آمدنتان از منزلهایتان بسوی نمازگاهتان، بیرون آمدن خودتان را از قبرها بسوی

پروردگارتان، و یاد کنید به ایستادنتان در نمازگاهتان، ایستادنتان را در برابر پروردگارتان، و یاد کنید به بازگشت بسوی منازلتان (بازگشت خود را بسوی منازلتان) در بهشت یا آتش. و بدانید بندگان خدا! کمتر چیزی که برای مردان و زنان روزه دار است این است که فرشته ای در روز آخر ماه رمضان ندا می کند: شادمان باشید بندگان خدا بتحقیق گناهان گذشته شما آمرزیده شد. پس نگاه کنید چگونه می باشید در اعمال و رفتار آینده که چگونه آغاز می نمائید.

مناجات امیرالمؤمنین علیه السلام

شب به گوش آدمم از سوی حجاز
نالہ ای کز دل پاکی خیزد
نغمه ای روح نشین جان پرور
نالہ پرشور و صدا پرسوز است
حالت شوق و نشاط انگیزد
اندر آن سرّ حقیقت مضمّر
شب ز انوار تجلّی روز است
بندہ ای واقف سرّ لاهوت
عاشقی مست ز صہبای وصال
گشتم با خالق خود گرم مقال
حمد می گفت و ستایش می کرد
نالہ ی نافذ سوزانی داشت
تنش از بیم خدا لرزان بود
یار، بی پرده تماشا می کرد
این چنین دُرّ حقایق می سفت
راز در حضرت جانان می گفت
ای که ذکر تو بود اصل شفا
نیست سرمایہ ی من غیر رجا
از درت کس نشود خائب باز
پاکی از بخل و نیاز و انباز
نعمتت هست فزون از احصا
حق شکر نتوان کرد ادا
یاد تو ورد زبانم باشد
حُبّ تو مونس جانم باشد
فخرم این بس که تو مولای منی
خالق و رازق و ملجای منی
بر درت خوار و حقیر آمده ام
زار و محتاج و فقیر آمده ام
تویی آن خالق قہّار جلیل
منم آن بندہ ی مسکین و ذلیل
چه خوش است آنکہ به درگاہ خدا
بندہ ای روی نهد بہر دعا
آن قدر عرض ادب کرد و نیاز
کہ جهان گشت پر از سوز و گداز

زان مناجات ملایک مبهوت
 ناگهان گشت صدایش خاموش
 مرغ حق ماند ز تسبیح و نوا
 یارب این صوت مناجات که بود؟
 یارب این صوت روان بخش زکیست
 این مناجات علی شیر خداست
 یگه تاز غزوات اسلام
 این علی بود که در بزم حضور
 شب رود چونکه به خلوتگه راز
 همه شب سوز و گدازی دارد
 از رُخش نور خدا تابان است
 صاحب مکرمت و لطف عمیم
 خود به سر وقت یتیمان می رفت
 پرسش از حال ضعیفان می کرد
 نشد از معدلتش کس محروم
 داشت مُلک دو جهان زیر نگین
 آن کز ضربت بن ملجم دون
 چهره ی عدل شد از ظلم نهان
 کُشته شد شیر خدا جبل متین
 یا علی! ای تو مُراد دل من
 الکن از مدح تو نطق ملک است
 دشت و صحرا همه جا بود سکوت
 جلوه ی دوست نمودش مدهوش
 من در اندیشه ی آن نغمه سرا
 که ز من طاقت و آرام ربود؟
 هاتفی گفت که این صوت علی است
 که از آن ولوله در ارض و سماست
 فاتح خیبر و احزاب لئام
 هست چون موسی عمران در طور
 به سوی دوست نماید پرواز
 با خدا راز و نیازی دارد
 محو در معرفت جانان است
 مظهر رحمت یزدان رحیم
 کلبه ی تنگ فقیران می رفت
 با همه رأفت و احسان می کرد
 خصم ظالم بُد و یار مظلوم
 بُد غذایش نمک و نان جوین
 حق نما صورت او شد پُر خون
 گشت ارکان هدایت ویران
 کُشته شد رهبر ارباب یقین
 حُبّ تو مایه ی آب و گل من
 کمترین پایه ی قدرت فلک است

نامه ام پر شده از جرم و گناه
به درت آمده محتاج عطا
به ولایت، دل محکم دارم
بسته ی سنبل گیسوی توام
من نجف را به جهان نفروشم
حَرَمَتِ رَوْضَةِ یَ رِضْوَانِ مَنِ اسْت
روسپاهم به تو آورده پناه
«لطفی صافیت» ای بحر سخا
پس چه باکی ز جهنم دارم
فخرم این بس که سگ کوی توام
سرکویت به جان نفروشم
دین و دنیای من ایمان من است [۲۶]

پی نوشت ها :

- [۱]. بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۱۵۷؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۹۵.
- [۲]. این پیام معظم له در رمضان المبارک ۱۴۲۳ ق نگاشته شده است.
- [۳]. این متن برگزیده‌ای از کتاب با ارزش «رمضان در تاریخ» معظم له می‌باشد.
- [۴]. برگزیده‌ای از کتاب معارف دین جلد ۱ و ۲، تألیف معظم له
- [۵]. سوره اسراء، آیه ۸۸.
- [۶]. برگرفته از کتاب‌های «رمضان در تاریخ» و «عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق یا ماه مبارک

رمضان»

[۷] و ۲. وافی، ج ۷، ص ۵۵، ب ۵۸

[۸]

[۹]. مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۰۲.

[۱۰]. کافی، ج ۲، ص ۱۹

[۱۱]. بحار، ج ۹۶، ص ۳۵۶، ح ۳۵، چاپ بیروت

[۱۲]. وافی، ج ۷، ص ۴۱.

[۱۳]. نهج البلاغه، ج ۳، ص ۲۰۸، کلمه ۲۵۳

[۱۴]. المحجّة البيضاء، ج ۲، ص ۱۲۲

[۱۵]. وافی، ج ۷، ص ۶، ب ۲

[۱۶]. همان.

[۱۷]. وافی، ج ۷، ص ۵، ب ۱

[۱۸]. وافی، ج ۷، ص ۳۳، ب ۳۴

[۱۹]. همان.

[۲۰]. کافی، ج ۳، ص ۸۸

[۲۱]. بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۵۶

[۲۲]. نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۰۰.

[۲۳]. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۱۵۴

[۲۴]. منقول از طبرانی و کبیر.

[۲۵] . امالی صدوق، ص ۸۸ و ۸۹ مجلس ۲۱.

[۲۶] . شعر سروده معظم له می باشد.

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۲
خطبه شعبانیه.....	۳
پیام معظم له به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان.....	۸
روزشمار تاریخی ماه مبارک رمضان.....	۱۲
بیعت با ولایتعهدی امام رضا <small>علیه السلام</small>	۱۲
وفات جناب ابوطالب <small>علیه السلام</small>	۱۲
وفات حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>	۱۳
اجرای عقد اخوت.....	۱۴
ولادت امام حسن مجتبی <small>علیه السلام</small>	۱۴
ولادت حضرت جواد <small>علیه السلام</small>	۱۵
غزوه بدر.....	۱۵
فتح مکه.....	۱۶
شهادت مولای متقیان، امیر مؤمنان <small>علیه السلام</small>	۱۷
جوانان می پرسند.....	۱۸
قرآن.....	۱۸
اعجاز قرآن.....	۱۸
تحریف قرآن.....	۱۸
رسم الخط یا رسم الاملا.....	۱۸
قرآن یا ترجمه آن.....	۲۰
ضمیر متکلم مع الغیر در قرآن.....	۲۰

۲۱ امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
۲۱ علم امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> به شهادت خود
۲۳ عدم تصریح بنام امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> در قرآن
۲۳ دعا و مناجات
۲۳ عربی بودن زبان ادعیه
۲۴ سن بلوغ
۲۴ سن تکلیف دختران
۲۵ روزه
۲۵ وجوب روزه
۲۸ ۳۰ روز، ۳۰ جلسه احکام شرعی
۲۸ جلسه ۱: روزه
۳۰ جلسه ۲: تقلید
۳۱ جلسه ۳: طهارت و نجاست
۳۴ جلسه ۴: نماز
۳۶ جلسه ۵: احکام خمس
۳۷ جلسه ۶: خرید و فروش و اجاره
۳۸ جلسه ۷: حق التألیف و رایت
۳۸ جلسه ۸: نذر
۳۹ جلسه ۹: مسابقات و شرط بندی
۴۰ جلسه ۱۰: قرض و ربا
۴۰ جلسه ۱۱: معاشرت با اهل کتاب و فرقه های گوناگون
۴۱ جلسه ۱۲: قوانین و مقررات
۴۲ جلسه ۱۳: حجاب و رابطه با نامحرم
۴۳ جلسه ۱۴: لباس و زینت

۴۴	جلسه ۱۵: نگاه کردن
۴۵	جلسه ۱۶: پزشکی
۴۶	جلسه ۱۷: تصرف در مال دیگری
۴۷	جلسه ۱۸: تلویزیون و ماهواره
۴۹	جلسه ۱۹: ازدواج
۵۰	جلسه ۲۰: موسیقی
۵۰	جلسه ۲۱: مراسم و مجالس مذهبی
۵۲	جلسه ۲۲: ورزش
۵۳	جلسه ۲۳: امر بمعروف و نهی از منکر
۵۳	جلسه ۲۴: صلّه رحم
۵۴	جلسه ۲۵: استخاره
۵۵	جلسه ۲۶: خرافات
۵۶	جلسه ۲۷: دروغ
۵۷	جلسه ۲۸: غیبت
۵۷	جلسه ۲۹: وظیفه معلّم و دانش آموز
۵۸	جلسه ۳۰: خوردنی ها و آشامیدنی ها
۶۰	احادیث رمضانیه
۶۵	مناجات امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
۶۸	پی نوشت ها:
۷۰	فهرست مطالب